



کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر ایران برگزار می‌کند:

هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

شنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۲، ساعت ۱۸

تماشاخانه‌ی ایران شهر، تالار استاد فرهاد ناظرزاده‌ی کرمانی



بلاغت

صاحب امتیاز: خانہی تئاتر

مدیر مسئول: محمد یعقوبی

سر دبیر: بهزاد صدیقی

دبیر تحریر: رامین فنا بیان

مدیر هنری: محمد علی بهستانی

مدیر اجرایی: اشکان خیل نژاد

ویراستار: منیژه فریدی

دبیر عکس: بهنام صدیقی، با سپاس از علی کاوه

طراحی و صفحه آرایی: منصوره ولی پور

نویسنده گان: رضا آشفته، بابک احمدی،

ساسان پارسسی، نغمه ثمینی محمد چرم شیر،

مرجان سمندری

طراحی پوستر و جلد: شوکا امیری احمدی

حروف نگار: حسام رستمیان

نمونه خوان: سمانه پیر محمد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: گنجینه مینیاتور

با سپاس از: هیئت مدیره خانہی تئاتر (عزت... انتظامی،

ایرج راد، بهزاد فراهانی، کاظم هژیر آزاد، رویا تیموریان،

قطب الدین صادقی، مریم کاظمی، هوشمند هنر کار،

خسرو احمدی)، یدا... آقا عباسی، فرهاد آیش، محمد

امیری احمدی، شہرام ابوالقاسمی، علی اصغری، رویا

افشار، جواد افشین نژاد، حسن باستانی، احترام برومند،

محمد بهرامی، ندا ثابتی، بہرام جلالی پور، زہرا حاتمی،

لیلا حاتمی، آندرانیک خچومیان، اصغر دشتی، زہرہ

دلدادہ، داوود رشیدی، لیلی رشیدی، رحیم رشیدی تبار،

سوسن رحیمی، فریندخت زاہدی، محسن زمانی، لعیا

زنگنه، مجید سرسنگی، رضا سرور، سلما سلامتی، مهدی

سلطانی، مرجان سمندری، ابراهیم شاکری، قطب الدین

صادقی، مژگان صدراپی، ماہان صدیقی، علی صفری،

حسین طاهری، مانندہ طہماسبی، مہرزاد فتحعلی پور، افروز

فرزند، مسعود فروتن، بہرام فیاضی، شہرام کرمی، عطا...

کویال، سیامک گلشیری، رضا گوران، مجید گیاهچی، وحید

لک، علی محمد رحیمی، علی مصفا، داریوش مودبیان،

حسن مودنی، مهندس میر غفوری، عزت... مہر آوران،

علیرضا نادری، آرزو نصیر پور، داور ثمینی، شرکت

آذر سیماب، نشر قطرہ، نشر نیستان، نشر افراز و ہم کاران

تماشاخانہی ایران شہر.

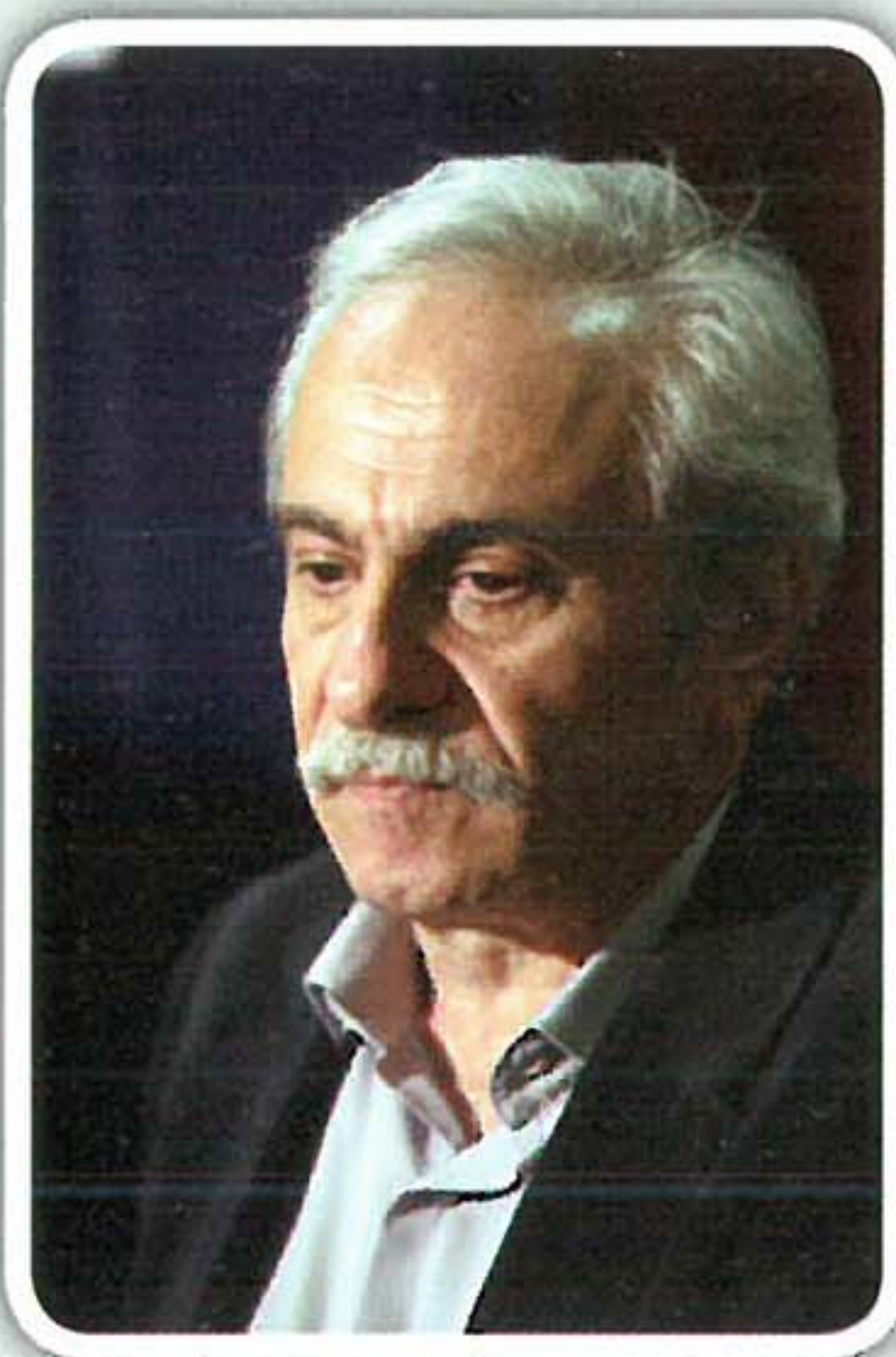
ویژہ نامہی ہفتمین
دورہی انتخاب آثار برتر
ادبیات نمایشی ایران
۱۷ اسفند ۱۳۹۲

نشانی وب گاہ خانہی تئاتر:

www.theaterfrom.com

تلفن:

۶۶۴۸۷۸۷۱-۳



شکل‌گیری هدف‌مند مسیرهای نو در عرصه‌ی هنر نمایش

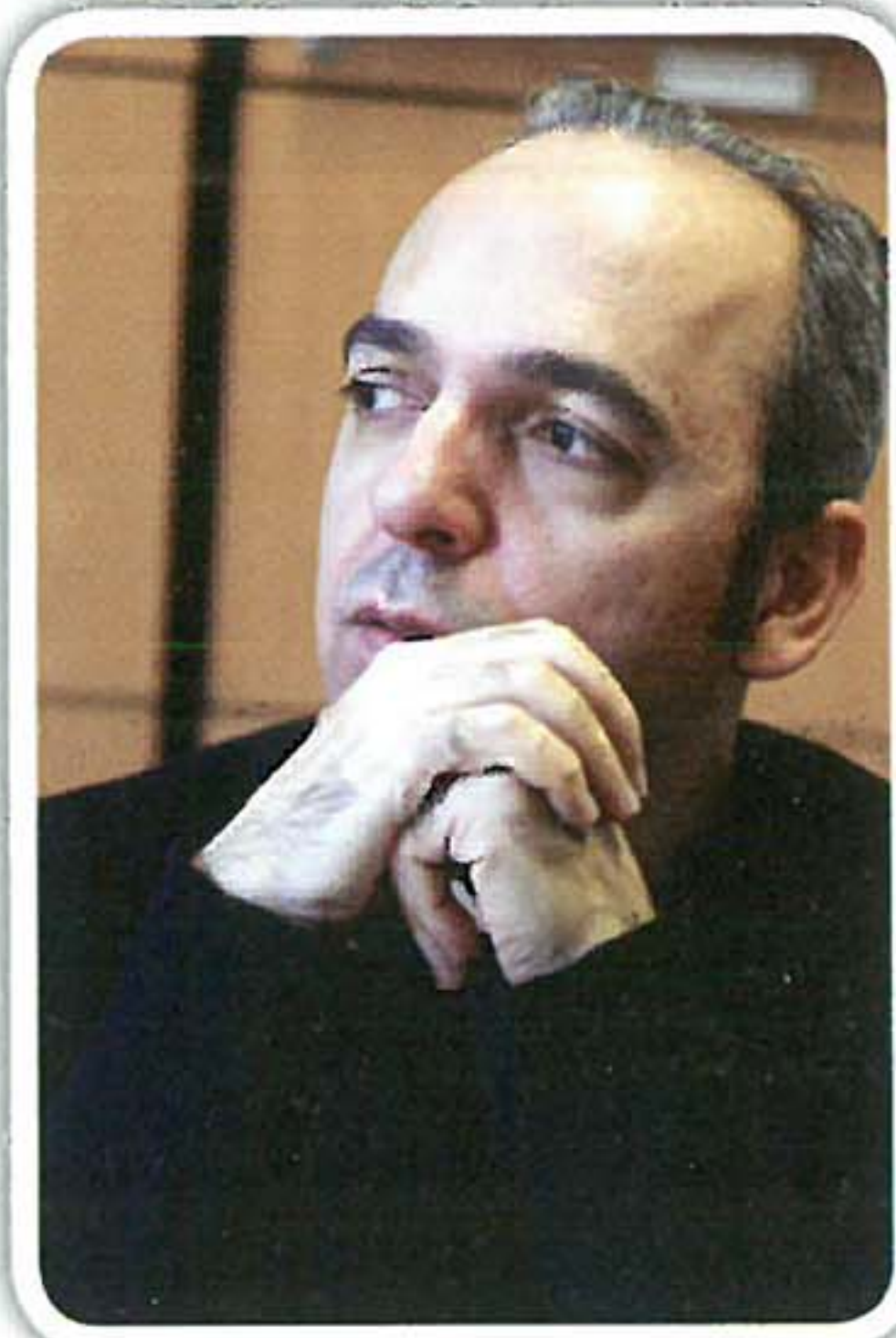
پرده بگردان و بزن ساز نو هین که رسید از فلک آواز نو تازه و خندان نشود گوش و هوش تاز خرد در نرسد راز نو حال، پس از رسیدن به عدد هفت در برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران که با تلاش و پی‌گیری کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر، در این سال‌ها، به اعتباری دست یافته است، می‌توان با شغف و افتخار اعلام کرد ثمره‌ی این حرکت فرهنگی و هنری در معرفی، شناخت، تقدیر، تجلیل، ایجاد انگیزه و شکل‌گیری هدف‌مند مسیرهای نو در عرصه‌ی هنر نمایش تا چه حد ارزش‌مند و قابل توجه بوده است. روند روبه‌رشد برگزاری دوره‌های مختلف انتخاب آثار، استقبال دست‌اندرکاران حوزه‌ی ادبیات نمایشی به‌ویژه جوانان که محملی برای عرضه‌ی هنر و اندیشه خود یافته‌اند، ناشرانی که می‌بینند تلاش و تعهدشان سرانجام در جایی درک و دیده و ارج نهاده می‌شود و... همه و همه، حکایت از درست بودن این حرکت فرهنگی و هدف‌مند دارد که شایسته است مسئولانی که خود می‌بایست متولی و بانی ایجاد این گونه جریان‌سازی‌های مفید فرهنگی باشند، نیز به نوبه‌ی خود، سهم و نقشی در این روند، ایفا کنند؛ و سهم آن‌ها می‌تواند در حمایت‌های مادی و معنوی از سرمایه‌ی بی‌ظیر انسانی و فکری در این مقوله باشد. حمایتی که قطعاً در ارتقای اعتماد به نفس هنرمندان نمایش تجلی و بروز پیدا می‌کند. و مگر اعتماد به نفس و خودباوری، پایه و اساس رشد، پویایی و تعالی از درون فرهنگ و اجتماع و سبب بالندگی فرهنگی نیست؟

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در ابیاتی که در صدر این مقال آورده‌ام، می‌گوید: تاراز و اندیشه‌ای نو بر خرد و عقل جاری نگردد، هرگز هوش و گوش، تازه و بدیع نشود و برگزاری این دوره در آستانه‌ی بهار و سال نو می‌تواند بشارتی نو بر پرده‌سازان و صحنه‌گردانان و بزرگ‌داشتی بدین منظور باشد.

هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران بر همه‌ی صاحبان اندیشه و معرفت، مبارک‌باد!

ایرج راد
مدیرعامل خانه‌ی تئاتر





نمایش نامه نویس صدای جامعه و با مردم است

سال‌هاست که در پس واژگان و کلمات و عبارات‌ها حقایقی را جست‌وجو می‌کنیم تا خشونت و رنج، از زندگی مان بیرون شود و نور و روشنایی و امید در حیات مان جاری گردد؛ حقایقی که گاه به زبان شعر نوشته می‌شود و گاه، راز و رمزهای زندگی با گفتار نمایشی در صحنه جان می‌گیرند و جاری می‌شوند تا بتواند پیکره‌ی دروغ و فریب و نیرنگ را بر ما آشکار سازد.

نمایش نامه‌نویس علاوه بر وظیفه‌ی روشن‌گری، وظایف اجتماعی دیگری به عنوان شهروند هزاره‌ی سوم بر عهده دارد. او وظیفه دارد نسبت به رخ داده‌های دنیای پیرامونی اش واکنش نشان داده و زیست اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را رصد کند و سپس آن‌ها را از صافی ذهن خویش عبور داده تا از صفحه‌های کاغذ به صحنه‌های نمایش جاری سازد. بر او فرض است دردهای جامعه را بشناسد و وجدان‌های به خواب رفته را بیدار سازد. پس از این‌رو، نیازمند آن است تا با جامعه‌ی خویش ارتباطی تنگاتنگ و مستمر داشته باشد و نسبت به مردم احساس مسئولیت کند. بر نمایش نامه‌نویس فرض است که از حیات اجتماعی روزگار خویش سخن گوید و گزارشی واقع‌بینانه و آمیخته به حقیقت ارائه دهد. گزارشی که با موشکافی و تعمق همراه باشد و مخاطبان اش را با روشن‌گری خویش به جامعه‌ی چندصدایی دعوت کند. نمایش نامه‌نویس، اکنونی را می‌باید گزارش دهد که نه تنها امروزیان، بل که آینده‌گان را به تأمل وادارد و تحت تأثیرشان قرار دهد. اکنونی که با گذشت زمان، به گذشته متعلق می‌شود و تاریخ دیگری را می‌سازد. نمایش نامه‌نویس بودن دشوار است چون او نمی‌تواند نسبت به جامعه‌ی خویش بی‌تفاوت باشد و نسبت به حقایق چشم‌پوشی کند؛ چون که نمایش نامه‌نویس بودن یک مسئولیت است. نمایش نامه‌نویس از آواها، نجواها و صداهایی سخن می‌گوید که پیرامون او است. تنها می‌ماند نگاه‌های خلاقانه اش و امکاناتی که می‌باید مسیر انتشار را از اتاق فکر خصوصی او به صفحه‌های منتشرشده‌ی کاغذ و صحنه‌های عمومی نمایش هم‌وار کند. پس بایسته است متولیان امر، این مسئولیت و وظیفه را درک کنند و راه را به روی نمایش نامه‌نویس و نویسنده‌ی این مرز و بوم بگشایند و اندکی درجه‌ی اعتمادشان را نسبت به او افزایش دهند؛ زیرا که نمایش نامه‌نویس، صدای جامعه و با مردم است و جامعه، نیازمند حضور نویسنده و نمایش نامه‌نویس است. پس متولیان امر با او مهربان باشند زیرا که او -نمایش نامه‌نویس- هم‌واره از مهر گفته و مهربانانه گفت‌وگو کرده است. اکنون که به مناسبت برگزاری هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در جمع نمایش نامه‌نویسان گرد آمده‌ایم، آرزو می‌کنم که نمایش نامه‌نویسان از نگاه‌های تنگ‌نظرانه و عوامل بازدارنده و دشوار دور بوده تا بتوانند هم‌واره شور و عشق و امید و زندگی را در سطر سطر آثارشان به تصویر درآورند.

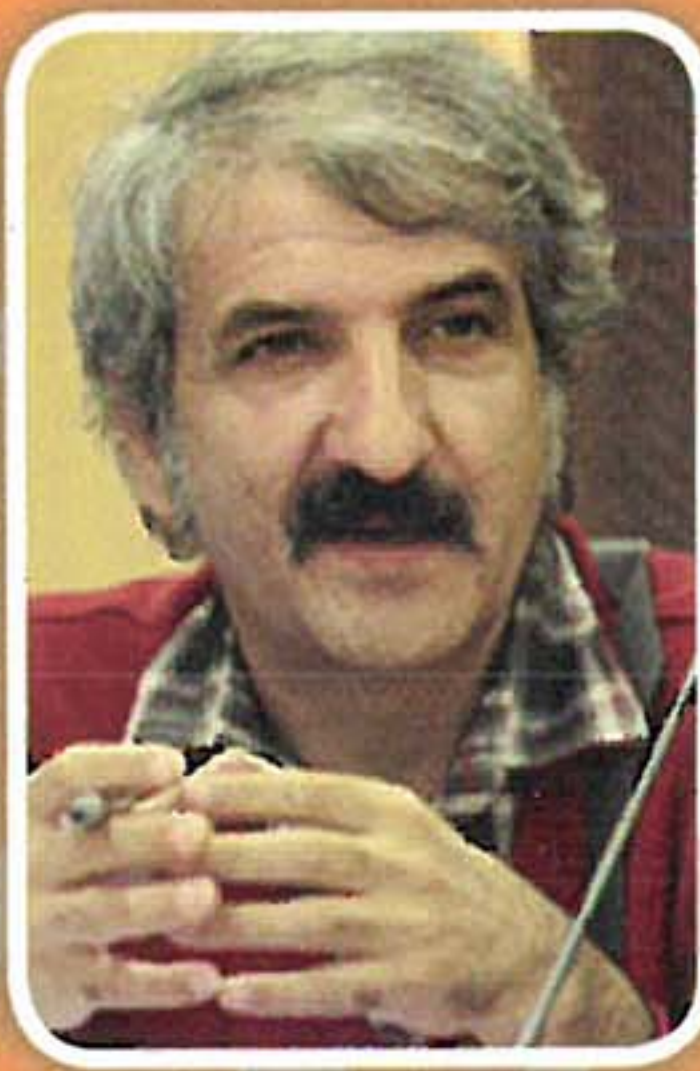
امید که همیشه شاهد شکوفایی آثار نمایش نامه‌نویسان این دیار باشیم.



شورای مشاوران هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران



حسن باستانی



علیرضا نادری



محمد چرمشیر



بهزاد صدیقی



محمد امیر باراحمدی

فهرست فعالان هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران آثار منتشر شده‌ی ادبیات نمایشی در سال ۱۳۹۱

- **فعال ترین نمایش نامه نویس:**
 - ۱- ایوب آقاخانی: ۹ نمایش نامه در جلد ۲
 - ۲- احمد رضا احمدی و روزبه حسینی هر کدام: ۸ نمایش نامه در ۱ جلد
 - ۳- داوود فتحعلی بیگی: ۷ نمایش نامه در ۱ جلد
- **فعال ترین مترجم:**
 - ۱- مصطفی رضی: ۶ نمایش نامه
 - ۲- زهره خلیلی: ۶ نمایش نامه
 - ۳- ساناز فلاح فرد: ۳ نمایش نامه
- **فعال ترین نمایش نامه نویس:**
 - ۱- خانه‌ی تئاتر: ۳۳ نمایش نامه در ۵ مجلد
 - ۱- افراز: ۲۳ نمایش نامه
 - ۲- قطره: ۱۴ نمایش نامه
 - ۳- موقام: ۹ نمایش نامه در دو مجلد
 - ۴- نی: ۷ نمایش نامه
 - ۵- نمایش، امیر کیسر، رهی و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس هر کدام: ۵ نمایش نامه
- **جمع کل تعداد نمایش نامه‌های تألیفی در سال ۹۱:** ۱۳۴ نمایش نامه در ۵۴ مجلد
- **جمع کل تعداد نمایش نامه‌های اولی در سال ۹۱:** ۹۱
- **جمع کل تعداد نمایش نامه‌های ترجمه در سال ۹۱:** ۷۲ نمایش نامه در ۵۴ مجلد
- **جمع کل تعداد پژوهش‌های ادبیات نمایشی در سال ۹۱:** ۲۰ جلد (۱۰ جلد تألیف)، (۱۰ جلد ترجمه)
- **فعال ترین نمایش نامه نویس بخش تألیف:** ایوب آقاخانی
- **فعال ترین نمایش نامه نویس بخش ترجمه:** زهره خلیلی و مصطفی رضی

هیئت داوران بخش نمایش نامه های تألیفی هفتمین

قطب الدین صادقی

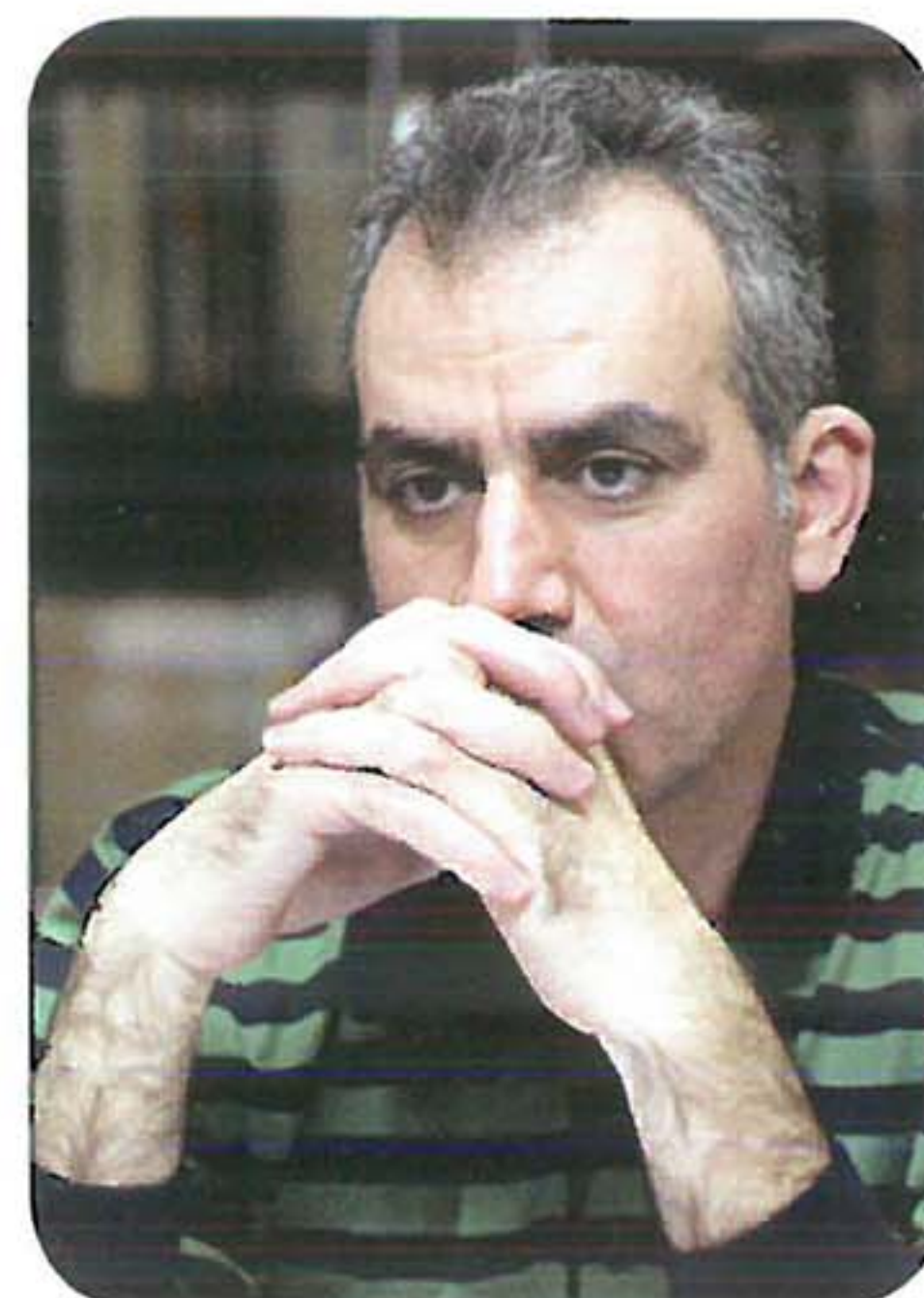
قطب الدین صادقی متولد ۱۳۳۱ در سنندج است. وی دارای مدرک کارشناسی رشته هنرهای نمایشی از دانش کده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد و دکترای هنرهای نمایشی از دانشگاه سوربن پاریس است. نمایش های باغ شکرپاره، یادگار زیران، عادل ها، عکس یادگاری، دخمه ی شیرین، پرومته در زنجیر، افشین و بودولف هر دو مرده اند، سرود مترسک پرتقالی، قابیل، سحوری، هفت قبیله ی گمشده، خط عشق، پیکره های باز یافته، زنان صبرا - مردان شتیلا، دوران بی گناهی، مبارک، نگهبان کوچک، مویه ی جم، هفت خوان رستم، بهرام چوبینه، مرد فرزانة، ببر دیوانه، نیرنگ های اسکاپن، هملت، سی مرغ، سیمرغ، آرش، مده آ، آژاکس، پیک نیک در میدان جنگ، مکبث، طلسم صبح گل و ... از آثار وی در کارگردانی تئاتر بوده است. هم چنین نگارش و انتشار آثار میر نوروزی، چمری، میر میدان و نگارش بیش از ۶۰ مقاله ی پژوهشی از سال ۱۳۶۰ و کتاب های یادگار زیران، بیان بدنی بازیگر، سی مرغ، سیمرغ، مویه ی جم و ترجمه های مده آ، کار در خانه، آهنگ های درخواستی و ... از آثار منتشر شده ی وی در هنرهای نمایشی محسوب می شود.



۶

شهرام کرمی

شهرام کرمی متولد ۱۳۵۱ در کرمانشاه است. او مدرک کارشناسی ادبیات نمایشی خود را در سال ۱۳۷۵ از دانش کده ی هنر و معماری و مدرک کارشناس ارشد کارگردانی را در سال ۱۳۷۹ از همین دانش کده دریافت کرده است و در حوزه ی هنری، دوره ی نمایش نامه نویسی را هم گذرانده است. کرمی علاوه بر نمایش نامه نویسی، در حوزه ی فیلم نامه نویسی، داستان نویسی، پژوهش و تدریس و کارگردانی تئاتر هم فعال است. وی نخستین نمایش نامه ی خود را در سال ۱۳۸۰ با عنوان شب تار کاهگل نشینان و روزگار طولانی تنهایی نوشته است. دیوار، لطفاً با مرگ من موافقت کنید، وقتی عروسک ها کوک نمی شوند، در بیداری، شمردن ستاره های شب، خانه ی خورشید، اتوبان سکوت، بلوط های تلخ، کفتران کوچی کاج، شمردن ستاره های شب، یادداشت های روزانه ی یک نویسنده، دیگر هیچ، پوتین های عمو بابا و مدریک از دیگر نمایش نامه های او به شمار می رود که همگی به صحنه رفته اند یا منتشر شده اند. شهرام کرمی هم اکنون مدیر تالار هنر و مسئول دفتر تئاتر کودک و نوجوان مرکز هنرهای نمایشی و مدیر هنرهای نمایشی معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است.



ویژه نامه ی هفتمین دوره ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

رویا افشار



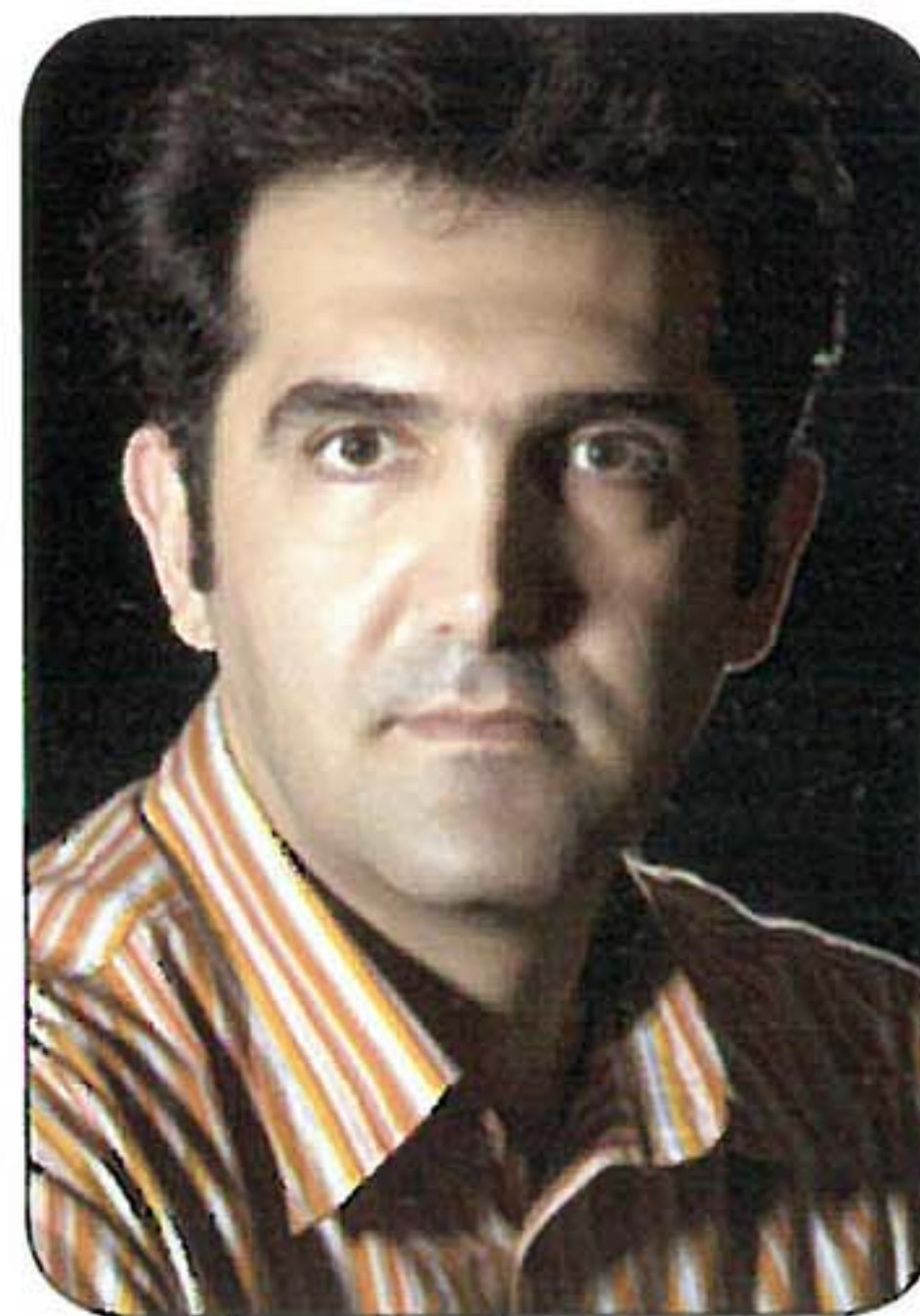
رویا افشار، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، در دهه‌ی ۶۰ در عرصه‌ی کارگردانی تئاتر فعالیت مستمری داشته است. او تله تئاترهای سفر، سوء تفاهم، قفس، تا صبح و نمایش‌های زمستان ۶۶ (محمد یعقوبی)، بلوط‌های تلخ (شهرام کریمی)، مکبث (جمشید ملک پور)، مرگ خوارزمشاه (جواد خدادادی)، ایستگاه سوم (محبی)، قصه درخت سیب (داود عبدالحسین زاده)، ف مثل فلسطین (رضا فیاض)، دیو و باد (اسماعیل پور رضا)، نیمکت خوش بختی (فرهاد شریفی)، باله با انگشتان شکسته (فرهاد شریفی)، علامت تعجب (رویا افشار)، دیوار (فرهاد شریفی)، مه آلود مثل شب مثل یک روز (فرشاد منظومی نیا)، درخشش در ساعت مقرر (حمیدرضا نعیمی)، پوتین‌های عموبابا (شهرام کریمی) و مدریک (شهرام کریمی) را در کارنامه‌ی بازیگری خود دارد. افشار هم‌چنین در نمایش نامه‌نویسی نیز دستی در قلم دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نمایش نامه‌ی مثل هیچ کس در اشلره کرد.

رضا گوران

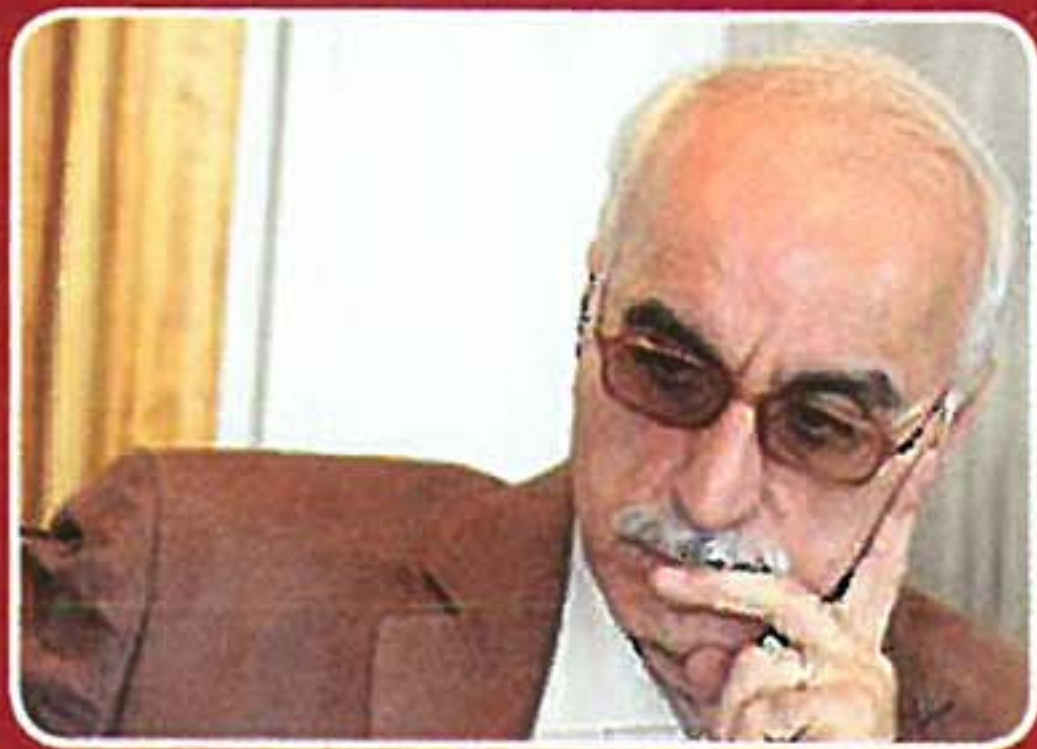


رضا گوران متولد ۱۳۵۸ در بابل است. وی دارای مدرک کارشناسی ادبیات نمایشی از دانش‌کده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد، طراح، نویسنده و کارگردان تئاتر است. از نمایش‌نامه‌های او می‌توان به تراکم، عبور از غبار، روشنایی‌های دور، آینه‌های کدر و خاموشی دریا اشاره کرد. وی نمایش‌های دست بالای دست (غلامحسین ساعدی)، آرامش از نوعی دیگر (تام استاپارد)، شب آوازهایش را می‌خواند (یون فوسه)، آدم آدم است (برشت)، یرما (لورکا) و می‌خوام بخوام و ابرهای پشت خنجره (رضا گوران) را در مقام کارگردان در کارنامه‌ی خود دارد. گوران جوایزی را برای طراحی صحنه و کارگردانی آثارش در جشنواره‌ی تئاتر فجر کسب کرده است.

مهرداد کوروش نیا

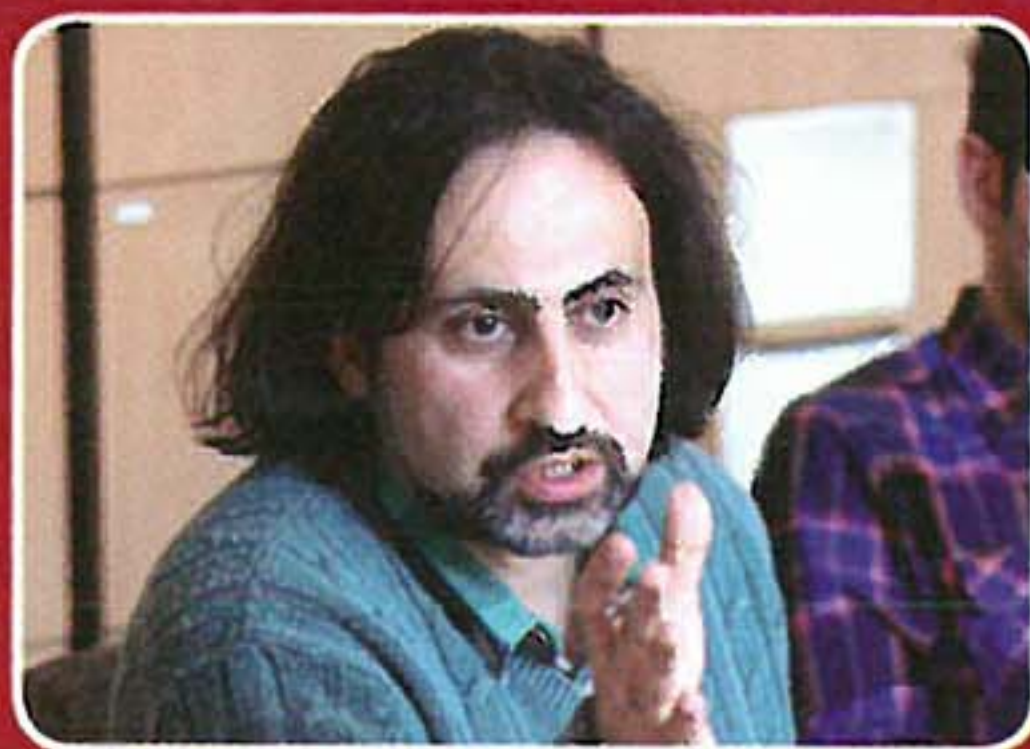


مهرداد کوروش نیا متولد ۱۳۵۳ است. وی در سال ۸۵ در رشته‌ی ادبیات نمایشی از دانشگاه سوره فارغ‌التحصیل شد و در سال‌های ۷۷ و ۷۹ دوره‌ی فیلم‌سازی و کارگردانی سینما را در انجمن سینمای جوان گذرانده است. کوروش نیا گروه نمایشی بهمن را در سال ۱۳۸۰ تأسیس کرد و فعالیت حرفه‌ای خود را در تئاتر از سال ۱۳۸۴ آغاز کرده است. او تاکنون نمایش‌نامه‌های کابوس یک رؤیا، مانی، آواز ستاره‌ها، آقا لیلیا، درخت‌ها، آخرین نامه و عزرائیل را نوشته و نمایش‌نامه‌ی آواز ستاره‌ها را در انتشارات دبیرخانه تئاتر دانشگاهی سال ۱۳۸۷ منتشر کرده و برای این نمایش‌نامه نیز از سومین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران جایزه گرفته است.



داریوش مؤدبیان زاده

داریوش مؤدبیان متولد ۱۳۲۹ در تهران است. وی بازیگر سینما و تئاتر، کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و مترجم نمایش نامه است. او بیش‌تر در زمینه تدریس تئاتر و ترجمه‌ی نمایش نامه فعالیت داشته است. مؤدبیان در سال ۱۳۵۳ در رشته‌ی بازیگری و کارگردانی تئاتر از دانش‌کده‌ی هنرهای دراماتیک تهران فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۹ مدرک فوق‌لیسانس تخصصی مطالعات هنرهای نمایشی را از دانشگاه سوربن پاریس و در سال ۱۳۶۰ فوق‌لیسانس تخصصی زبان‌شناسی را از مؤسسه‌ی مطالعات علوم انسانی پاریس دریافت کرد. مؤدبیان پس از بازگشت از فرانسه، در سال ۱۳۶۱ همکاری دوباره‌اش را با تلویزیون آغاز کرد و از سال ۱۳۶۳، به تدریس در دانشگاه هنر، دانشگاه آزاد و دانش‌کده‌ی صدا و سیما پرداخت. رویای نیمه شب تابستان (۱۳۷۳)، سفر بخیر (۱۳۷۳) و ازدواج اجباری (۱۳۹۲)، قرارداد با مرگ (۱۳۹۲) از نمایش‌های صحنه‌ای او هستند. مؤدبیان در سال ۱۳۸۷ پس از ۱۹ سال بازی در نمایش کوروش نیا دوباره به عرصه‌ی بازیگری تئاتر بازگشت. از وی تله‌تئاترهای بسیاری به‌عنوان بازیگر و کارگردان وجود دارد.



بهرام جلالی پور

بهرام جلالی پور متولد ۱۳۴۶ در تهران است. وی مدارک دکترای ادبیات و تئاتر خود را از دانشگاه پاریسست (پاریس)، کارشناسی ارشد رشته‌ی مطالعات سینمایی و تئاتری از دانشگاه کان فرانسه (۲۰۰۴)، کارشناسی ارشد در رشته‌ی ادبیات نمایشی را از دانشگاه تهران (۱۳۷۸) و کارشناسی رشته‌ی ادبیات نمایشی از دانشگاه آزاد تهران مرکز (۱۳۷۵) دریافت کرده است. او تا کنون کتاب‌های بین و بگو! (مجموعه سه کتاب کودکان)، دست به تلفن زنی! (کتاب مصور کودک)؛ ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی (نشر افراز، ۱۳۹۱)، میشل ویناور دراماتورژ جنگ (به انضمام دو نمایش نامه‌ی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و همسرایی‌هایی برای آنتیگونه، نوشته میشل ویناور) (نشر افراز، زیر چاپ)، گفتمان تئاتر (نشر افراز، زیر چاپ) را نوشته و تألیف کرده است. نگارش نمایش نامه‌های آی بچه‌های نازنین دست به تلفن زنین! (کودک)، مبارک و گنجینه‌ی استاد محمد (کودک)، خروسی که می‌خواست شب را ببیند (کودک)، قشنگ‌ترین آواز دنیا (کودک)، گرو فالو مرده‌ها هم خواب می‌بینند، گره، دزد لالایی‌ها از دیگر فعالیت‌های نوشتاری اوست.

رضاسرور

رضاسرور متولد سال ۱۳۵۵ در تهران است. وی مدرک کارشناسی خود را در رشته‌ی مهندسی عمران دریافت کرد. او علاوه بر پژوهش و ترجمه در حیطه‌ی نمایش نامه‌نویسی نیز فعال است. از پژوهش و ترجمه‌های او می‌توان به از منظر درام‌نویس (مجموعه مقالاتی از سارتر، پتر وایس، جان آیزورن، آرتور میلر و... - انتشارات سوره مهر - ۱۳۸۶)، شکسپیر معاصر ما نوشته‌ی یان کات (نشر بیدگل - ۱۳۹۰)، گفت‌وگوهایی درباره‌ی شکسپیر / هملت: یک کولاًژ نوشته‌ی یان کات و چارلز ماروویتز (نشر افراز - ۱۳۹۱)، هملت‌های شکسپیر (آماده چاپ) اشاره کرد. هم‌چنین از نمایش نامه‌های او می‌توان به سایه روشن، مالیخولیا، مرگ و استعاره (چاپ اول: نشر لعل - ۱۳۷۹، چاپ دوم: نشر بیدگل - ۱۳۸۸)، کودکی من، اتاق صدا و خاطرات یک دزد اشاره کرد.





این جایزه برای من و پالتوی پشمی قرمز عزیز و دوست داشتنی است

اصل نمایش نامه را بی کم و کاست چاپ کنم، فکر می کنم نمایش نامه‌ی شکنجه دیده ام اندکی تسکین یافت؛ و حالا باز فکر می کنم پالتوی پشمی قرمز از این که دارد جایزه‌ی عزیزی را می گیرد خوش حال است. حالا، همین حالا دارد به تن رنجورش نگاه می کند. احساس می کند دردش کمی تسکین یافته. بعد به دورها نگاه می کند و خیال‌های محال و غیر محال می چیند: یک روز که تن بی پناه هیچ نمایش نامه، هیچ نوشته‌ای، تکه پاره نشود. یک روز که جواب قلم، قلم باشد؛ نه بازخواست و داغ و درفش.

و حرف آخر! این جایزه برای ما هر دو، من و پالتوی پشمی قرمز عزیز، دوست داشتنی و دل گرم کننده است؛ و ما هر دو دوست داریم تقدیمش کنیم به تمام نمایش نامه‌های ایرانی که امکان به صحنه آمدن پیدا نکردند. تمام نمایش نامه‌های ایرانی که حذف شدند؛ به جریان شریف و عمیق ادبیات نمایشی ایران در تمام سال‌های دور و نزدیک.

* نمایش نامه نویس برگزیده‌ی بخش نمایش نامه‌های تألیفی هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران



نغمه ثمینی*

عین جسد می اندازند مقابلت، چه آمیزه‌ای از خشم و اندوه و ناتوانی در جان آدم می چرخد. ما این حال‌ها را می شناسیم و من هم. وقتی دو سال قبل، نمایش نامه‌ام جلوی چشمم تکه پاره شد و شبح بی شکل و بدریختی از آن رفت روی صحنه، فقط یک کار از دستم بر آمد؛ که بخواهم در پوسترنویسند بر اساس طرحی از نغمه ثمینی؛ اما این کار کوچک کجا و آن خشم بزرگ کجا؟ این کار کوچک کجا و زارزارهای بی پایان و شبانه‌ی پالتوی پشمی قرمز تکه و پاره کجا؟ بعدها وقتی این امکان را یافتم که

چه قدر روزها و شب‌ها باید می گذشت تا امروز برسد و لبخندی از جنس آرامش و خوش حالی بر لبان نمایش نامه‌ی پالتوی پشمی قرمز بنشیند؟ وقتی دو سال قبل داشتند تکه و پاره‌اش می کردند، ما هر دو، من و پالتوی پشمی قرمز، در آغوش هم زار می گریستیم. و زار گریستن آیا تعریف دقیق و کاملی هست از وضعیت دشواری که ما با هم از سر می گذرانیم؟ نه راه پیش بود و نه راه پس. گروهی پر از انرژی و با انگیزه، معصومانه با نمایش نامه درگیر شده بود. تمرین‌ها کرده بودند و پیش رفته بودند، در حالی که هر روز متن از سویی و با نگاه و نظری به غایت بی منطق و سلطه گر داشت تکه و پاره می شد. من نه می توانستم متنم را پس بگیرم و نه می توانستم بایستم و نگاه کنم... همه‌ی ما می دانیم و کیست که نداند وقتی دستی از بیرون، دستی که رحم ندارد و شأن کلمه را نمی فهمد، می افتد به جان نمایش نامه‌ی آدم، شب و روز چه طور می گذرد. همه‌ی ما می دانیم که وقتی با داغ و درفش می افتند به جان پیکر بی پناه نمایش نامه‌ات و پاره پاره‌اش می کنند و بعد تن نحیف زخمی و بی جانش را

از این تئاتر

نخواهیم که فراموش کند

محمد چرم شیر

تعریف مشخص و معلوم، هزارچندگاهی پذیرای نمایشی نامشخص با جنس و کاربری این مکان‌ها هستند. عوامل اجرایی در تنگ‌نا و انباشت اجراهای بدون هدف، و تنها از سر وظیفه برای حاضر بودن در چرخه‌ی تئاتر، خیره به نوبت و زمان چشم دوخته‌اند. نمایش نویسان، بدون انگیزه و فارغ از تعریف خود به عنوان نویسنده‌گانی که هویت شان در امر نوشتن معنی می‌شود، نوشتن را از امری مدام و همیشه‌گی به سوی مقوله‌ای گاه به گاه رانده‌اند. و تماشاگران، آموزش ندیده و سردرگم، سودای تحمیل سلیقه‌های خود به این تئاتر را دارند. آن‌ها در مقام تنها منابع اقتصادی تئاتر بودن، خواستار حضور نگاه‌های ویژه‌ی خود در این عرصه‌اند. و در این برزخ، تئاتر ایران، محافظه‌کار و ترس خورده تر جیح می‌دهد تا بر عادت‌های همیشه‌گی خویش باقی بماند به جای آن که به ماهیت ذاتی خویش تکیه کند؛ ماهیتی که از اندیش‌مندانه بودن، نبودن و جسارت رفتن به سوی تجربه‌ی عرصه‌های کشف‌ناشده بیرون می‌آید.

امروز فضای تئاتر ایران زیر ضربات بی‌حافظه‌گان، بهانه‌جویان و فرصت‌طلبان، در حال فرسایش است و هر عملی برای برون‌رفت از این فضای ساخته و پرداخته شده با مقاومتی هتاکانه و بی‌مغز روبه‌رو می‌شود. هتاک‌ی سلاح کارآمدی شده است برای بی‌عملی. داوری مغرضانه و کور، نقابی شده است برای پنهان‌سازی بی‌دانشی. امروز آنانی که



محمد چرم شیر

است که شور و شعف و اعتماد، تنها و تنها، می‌توانند از گام‌های هرچند کوچک به سوی آینده پدید آید، نه از مدعا و شعار. این تئاتر می‌داند تغییر در گرو فهم این نکته‌ی ساده اما عمیق است که سیستم گرداننده‌ی این تئاتر، کهنه، فرسوده و ناکار است. و این تئاتر نمی‌خواهد امیدوار باشد وقتی می‌داند مسیر امیدواری تنها از راه تغییر فرسودگی‌ها است که می‌گذرد، نه از راهی دیگر. گروه دوم، اما کسانی هستند که تنها و تنها در فضای امروز تئاتر ایران است که امکان حیات می‌یابند. این‌ها می‌دانند هرگونه به‌سازی تئاتر ایران مساوی است با خروج همیشه‌گی آنان از تئاتری که تا توانسته‌اند ویران‌ترش کرده‌اند به بهای تداوم حضور خود. تئاتر ایران در این دوره‌ی رخوت، محتاج به بازشناسی خود است تا بتواند از این تنگنای تاریخی عبور کند.

تالارهای نمایش، بدون داشتن هیچ

تئاتر ایران علیرغم ظاهر پرتکاپویش، دورانی سخت رخوت‌ناک را از سر می‌گذراند. نوعی نمایش مشغولیت و اعلام حضور، بی‌این‌که این اعلام، تداوم، جهت‌گیری و امکان شکوفایی داشته باشد. می‌توان با قاطعیت هرچه تمام‌تر این دوران را دوران انفعال و حضوری باری به هر جهت در تئاتر ایران نامید. این نام‌گذاری، بی‌تردید، دو گروه را ناخشنود می‌کند. گروه اول مدیران نرسیده‌ی تئاتر ایران‌اند. آن‌ها می‌دانند که در سال‌های نزدیک چه جفاها بر تئاتر ایران رفته است. از پایین آمدن کیفیت گرفته تا خروج غم‌ناک نخبه‌گان، از افول انگیزه‌ها تا استیلای بی‌دانشی و غیره و غیره. این‌ها می‌دانند چه بر این تئاتر رفته است، اما خواهان فراموشی هم هستند. می‌خواهند همه چیز از همین امروز و حالا، و دوباره آغاز شود. آن‌ها می‌دانند آغاز دوباره محتاج شور و شعف و اطمینان است از راه از یاد بردن گذشته و امید بستن تام و تمام به آینده. و این خواسته‌ای است که در تئاتر ما نه ممکن است و نه شدنی؛ دلیل‌اش هم ساده و معلوم. تئاتر ایران سابقه‌ی تلخ بارها و بارها آغاز کردن رادارد، سابقه‌ی اعتماد کردن، سابقه‌ی وادار کردن خود به دل بستن به باریکه‌ای از امید. و این بلوغ تئاتر ایران است که دیگر نمی‌خواهد چیزی را از یاد ببرد. تئاتر ایران نمی‌خواهد از یاد ببرد تا توانایی ارزیابی درست علل و عوامل رکود و عقب‌گرد تاریخی‌اش را داشته باشد. تئاتر ایران آموخته

سیامک گلشیری، داستان‌نویس:

عرصه‌ی ادبیات نمایشی ایران از مشکلات

مادی رنج می‌برد

گفتار

هم‌چنین مشکلات مادی موجود پیش پای فعالان این عرصه را مورد توجه قرار داد و در این خصوص گفت: ما در انجمن با مشکلات بودجه‌ای فراوانی مواجه هستیم و از این منظر هیچ حمایتی صورت نمی‌گیرد. می‌دانیم کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر ایران هم از این نظر با دشواری‌های بسیاری دست‌وپنجه‌نرم می‌کند که



سیامک گلشیری، نویسنده و یکی از داوران پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران معتقد است کاستی‌های مالی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی فعالان عرصه‌ی ادبیات به ویژه نمایش نامه‌نویسی است که موجب شده آثار منتخب به خوبی توسط مردم دیده‌نشوند.

موجب می‌شود کتاب‌ها به خوبی دیده نشوند.

گلشیری هم‌چنین به داوری خود در پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران اشاره کرد و گفت: آن زمان به نظر آمد جز اندک موارد، نمایش نامه‌ها قدرت و استخوان‌بندی چندانی نداشتند. اما نکته‌ی مهم درباره‌ی آثاری است که متوسط بودند و به نظر می‌رسید عجولانه نوشته شده بودند که نیاز به بازنویسی مجدد داشتند. معتقدم حضور تعدادی کارشناس و ارائه‌ی مشاوره به نویسندگان موجب می‌شود این نمایش نامه‌ها به آثار با کیفیت‌تری تبدیل شوند که خوب است مورد توجه قرار بگیرد.

وی به بهره‌گیری از قصه در نگارش متن اشاره کرد و در ادامه افزود: به نظر من می‌توان از یک داستان ساده، شاه‌کار خلق کرد به شرط آن که تمام اجزای اثر، به درستی کنار یکدیگر قرار بگیرند و در مخاطب ایجاد کشش کنند. این نویسنده در پایان بیان کرد: این نکته‌ی تنها در نمایش نامه‌نویسی، بل که در دیگر گونه‌های ادبی مانند داستان و رمان نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. به نظر من جذابیت قصه، حلقه‌ی مفقوده‌ی نمایش نامه‌ها و دیگر متون ادبی مابه حساب می‌آید اما متأسفانه گاهی به دام افراط می‌افتیم و زمانی هم از فرم‌گرایی صرف رنج می‌بریم.

سیامک گلشیری با بیان این که برگزاری مسابقه‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران به تبلیغات و جلب توجه بیشتر مخاطبان به این گونه‌ی ادبی کمک شایانی خواهد کرد، گفت: متأسفانه مادر کشورمان امکان زیادی برای توجه به ادبیات به ویژه ادبیات نمایشی در اختیار نداریم، به همین دلیل باید از هر حرکتی در این خصوص حمایت کرد. این داستان‌نویس ادامه داد: از سوی دیگر باید شرایطی فراهم شود که متن‌های برگزیده، امکان اجرای صحنه‌ای داشته باشند، چون در این صورت نویسندگان می‌توانند به ضعف‌های نگارشی و کاستی‌های خود از نظر فنی پی ببرند. این نویسنده به ضعف توزیع آثار ادبیات دراماتیک در کتاب‌فروشی‌ها نیز اشاره کرد و در این باره گفت: به نظر من کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر ایران باید ارتباط مؤثرتری با حوزه‌ی نشر و توزیع برقرار کند تا با حمایت از متون، کاستی‌های حوزه‌ی پخش متون در کتاب‌فروشی‌ها نیز مدیریت شود. وی در ادامه افزود: به عنوان نمونه آثاری وجود داشتند که در گذشته جزو آثار برتر بودند اما وقتی می‌خواستیم برای مطالعه، تهیه کنیم، هیچ‌کجا یافت نمی‌شد. در دسترس نبودن آثار، یکی از ضعف‌های این حوزه است که باید راه‌کاری برای برطرف شدن آن پیدا کنیم.

عضوانجمن نویسندگان کودک و نوجوان

نمایش عمل کردن را بازی می‌کنند حق خود می‌دانند تا راه را بر عمل‌کننده‌گان واقعی ببندند و وضعیت تئاتر را نه در عمل به تئاتر که با مدیریت تشکل‌های هوارکش رقم زنند. برای این رخوت، این انفعال و این بی‌مایه‌گی، باید دل‌نگران بود و برای پس زدن این فضای نابه‌هنجار باید دوباره دست به کار شد. به نظر می‌رسد شعار این روزهای تئاتر چیزی نمی‌تواند باشد جز کار و کار بیشتر برای همه‌ی دست‌اندرکاران تئاتر و این شعار نمی‌تواند عملی شود جز دوری جستن از سلیقه‌ی مخاطبی که نه در تربیت‌اش تلاشی صورت گرفته از سوی جمیع دست‌اندرکاران تئاتر، نه تلاشی شده است از سوی خود آنان. و این شعار نمی‌تواند صورت واقع بیابد مگر از راه بهادادن به جوانانی که نه تنها سودای حضور دارند، که برای بودن خود انگیزه‌ای به بزرگی خود تئاتر دارند. نمی‌توان با شعار جوان‌گرایی به سوی قبیله‌ای کردن تئاتر حرکت کرد. گروکشی و جبهه‌بندی، امروز خطرناک‌ترین آفت تئاتر ایران است. و به همان اندازه ویران‌گر که سانسور و خودسانسوری، چاره‌ای نیست جز این که تئاتر امروز ایران به سوی طبیعت خود باز گردد. طبیعتی پُر جسارت و نو اندیش، پرسش‌گر و جست‌وجوگر. از این تئاتر نخواهیم که فراموش کند، و نخواهیم که به صرف امیدوار بودن از نقد آسیب‌ها چشم‌پوشد.

تهران - اسفند ماه ۱۳۹۲

برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران یک پروژه ملی است

گفتار

برتر ادبیات نمایشی ایران برای دوره ی آینده ی آن پیش نهاد داد و در این باره گفت: پیش نهاد من برای برگزاری این مسابقه در دوره ی آینده، این است که واقعن شکل یک روی داد ملی را پیدا کند. دولت در تأثیر گذاری، تبلیغات و جریان سازی آن مشارکت جدی کند. جامعه ی فرهنگی و تئاتری نیز باید بیش از پیش به آن بهاد دهند. این نمایش نامه نویس هم چنین گفت: کار مهم برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، جلوگیری از مرگ آثار بالقوه ی ادبیات نمایشی است. زمانی همایون صنعتی که ناشر بزرگی بود، برای من تعریف می کرد که برای گذراندن دوره ی نشر، نزدیکی از ناشران بزرگ انگلیسی رفته بود. او می گفت مدیر انتشارات به من گفت امروز با هم به یکی از

می خواهد. من در شورای مشاوران این جایزه بودم و عشق و دل سوزی رامی دیدم. این مسابقه، کاری تخصصی است و نباید به هیچ غرضی گرفتار شود. همه باید دست به دست هم دهند تا به بهترین شکل برگزار شود. آقا عباسی در ادامه تأکید کرد: من تقدیر می کنم از برگزار کننده گان انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، اما دیگران هم وظایفی دارند. آثار برگزیده ی این رویداد ملی نمایش نامه نویسی، باید معرفی، تهیه و تولید و اجرا شوند. در شورای مشاوران آن، دوستان من برنامه های زیادی داشتند. از بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی و کارگاه گرفته تا اجرای آثار، اما امروز برگزار کننده گان آن فقط توانستند این شعله را روشن نگه دارند. وی هم چنین برای برگزاری انتخاب آثار

دکتر یدالله آقا عباسی، نمایش نامه نویس، پژوهش گر و استاد دانشگاه، در خصوص برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران گفت: برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران یک پروژه ملی است و مجموعه ای از آدم ها و امکانات در سطح ملی باید گسیل شود. در اولین دوره ی برگزاری آن، در حد امکان این کار شد. اما هر چه امکانات آن کم تر شد، کار آن نیز محدود تر شد. رویدادهای فرهنگی، متعدد هستند و هر یک در دیگری گم می شوند. برای رونق بخشی، صرف برگزاری مراسم و اهدای جایزه کافی نیست. این استاد دانشگاه ضمن بیان این مطلب گفت: برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، کار دشواری است. هم عشق، هم امکانات و هم آدم های دل سوز



فرین دخت زاهدی، استاد دانشگاه و پژوهش گر تئاتر، کم توجهی به ادبیات دراماتیک و نمایش نامه نویسی را یکی از نشانه های عقب مانده گی دانست و تأکید کرد: برگزار کننده گان انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران باید پس از اتمام این روی داد از منتخبان حمایت کنند. فرین دخت زاهدی با تأکید بر این که برگزار کننده گان این روی داد، دغدغه مند و دلسوز ادبیات دراماتیک هستند، درباره ی برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران گفت: جریان ادبی ما در طول صد سالی که ادبیات نمایشی داریم، این شیوه ی ادبی را به رسمیت نشناخته و این



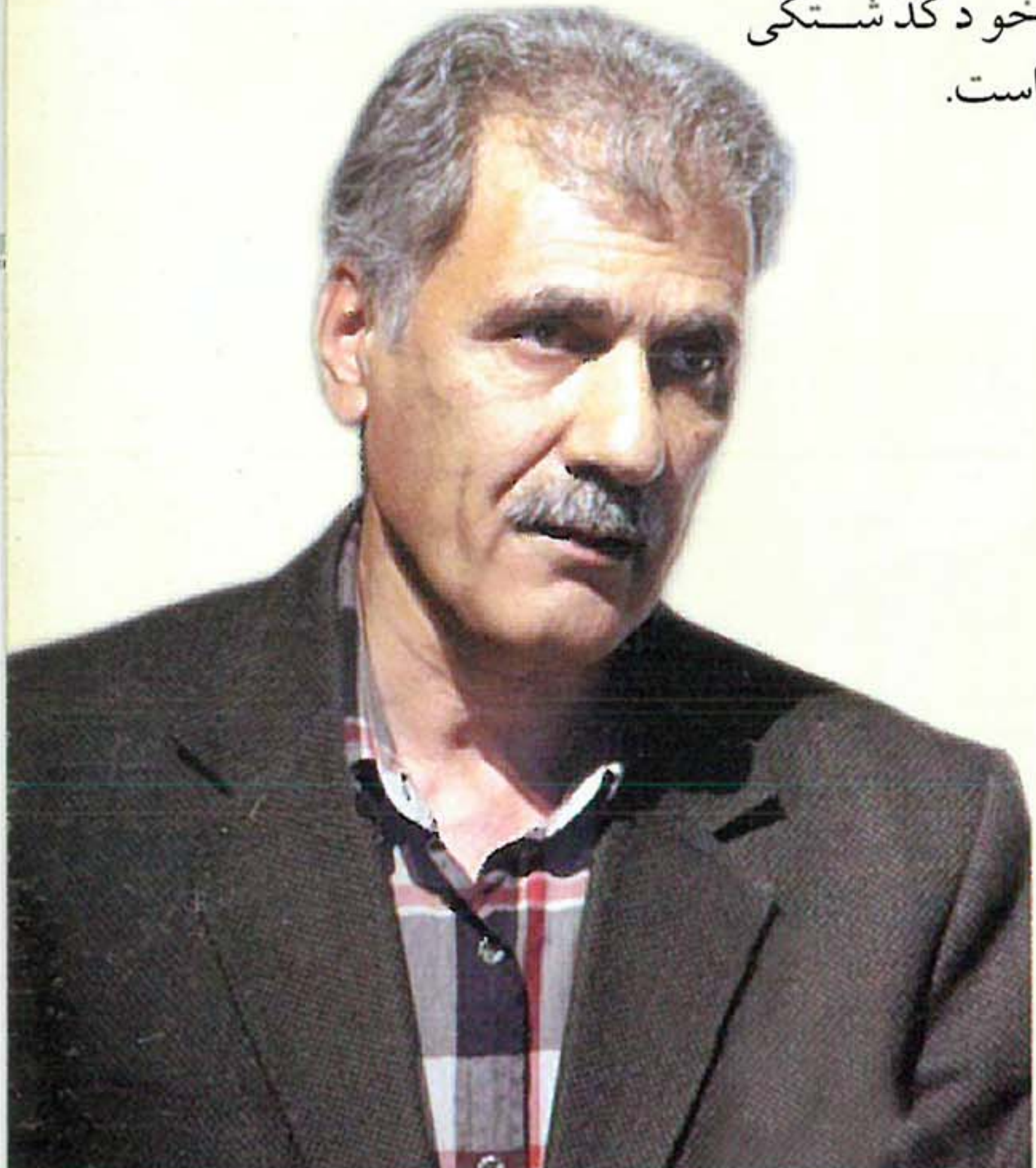
فرین دخت زاهدی، استاد دانشگاه و پژوهش گر تئاتر:

جریان ادبی ما نمایش نامه نویسی را به رسمیت نشناخته است

دبیرستان‌ها می‌رویم. رفتیم و ته کلاس نشستیم. زنگ انشا بود و بچه‌ها انشاهای خود را می‌خواندند و او یادداشت بر می‌داشت. وقتی بیرون آمدیم، گفت من نویسنده‌گان بالقوی آینده را این طور شناسایی می‌کنم. آقا عباسی با اشاره به این که کار ما دادن یک لوح تقدیر و احتمالاً چند صد هزار تومان پول و رها کردن نمایش نامه نویسی نیست، گفت: اهدای جایزه و لوح تقدیر به برگزیده‌گان خوب است، اما کافی نیست. برای استعدادهای نو، حتمن باید کارگاه نمایش نامه نویسی برپا کرد. هم‌همی آثار برگزیده‌ی این مسابقه را - از ابتدا تا اکنون - اگر اجرا نشده‌اند، باید اجرا کرد. باید برای آن‌ها کارگردان و تهیه‌کننده پیدا کرد. دولت در این جانفش دارد. اگر این نمایش نامه، اثر برگزیده‌ی این چند سال است، باید از آزمون اجرا نیز به درآید و دیده شود. حتا اگر آن اثر چاپ شده، دبیرخانه باید دوباره آن را در مجموعه‌ای چاپ کند و هم‌زمان با اجرا پخش کند. این استاد دانشگاه در بخشی دیگر از این گفت‌وگو اضافه کرد: مجموعه‌ی این آثار و این افراد، نیروهای بالقوه‌ی ما هستند. باید آن‌ها را در باشگاهی متمرکز کرد و آن‌ها را وادار به کار کرد. نوشتن نمایش نامه، کار دشواری است و تمرین

مداوم می‌خواهد. نمایش نامه، حتا اگر چاپ شده باشد، هم نیازمند کار دوباره است. آقای رادی از این نظر نمونه‌ی مومنی بود که آثار چاپ شده‌اش را هم هر از گاهی نو می‌کرد. نگفتم نمایش نامه موجود زنده است؟ این موجود زنده همیشه نیازمند مراقبت، نوشیدن و البته اجراست. در این صورت است که نمایش نامه نویسی اهمیت پیدا می‌کند، ترجمه‌ی نمایش نامه قدر می‌بیند و هر کسی به خود اجازه نمی‌دهد به آن ناسپاسی کند. این کاری است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. نگران نوع نوشته و ضرورت کار هم نباید بود. نمایش نامه نویسی هنرمند، خود می‌داند که چه گونه نقش خود را در جامعه پیدا کند و چه گونه خود را از صف شبه‌هنرمندان جدا کند. آقا عباسی در پایان یادآور شد: انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران آن قدر ارزش دارد که در صدر روی دادهای تأثیری قرار گیرد. این روی داد، حوزه‌ی وسیعی دارد. از ناشران نمایش نامه گرفته تا ویراستاران، منتقدان، مترجمان و نویسندگان را در بر می‌گیرد. می‌تواند به اجراها، جشنواره‌ها و ادبیات نمایشی و حتا ادبیات ما جلوه‌ی مناسب‌تری بدهد. کارگردان‌ها و بازیگران با نمایش نامه‌های قوی، جای کار به تری دارند. به تری می‌توانند

شخصیت‌های پرداخته شده را به اجرا در آورند. همیشه انتخاب متن خوب، نیمی از کار اجراست. همه از کم بود متن مناسب می‌نالند. به همان دلایلی که گفتیم، انبوه متن‌های عقیم و سقط شده، روی دست جشنواره‌ها می‌ماند و انبوهی از استعدادهای نشکفته در قربان‌گاه جشنواره‌های مسابقه‌ای می‌پژمرند. برگزاری انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران نه کاری تفننی، زینتی، برنامه‌ای، آماری، تبلیغی که کاری از سر وظیفه و مستلزم فداکاری و از خود گذشتگی است.



قالب برای آن‌ها قابل تأمل نیست. به نظر می‌رسد چنین قالب ادبی باعث سرافکنندگی اهل ادبیات است که ژانر به این مهمی را به رسمیت نمی‌شناسند، در حالی که بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان مانند شکسپیر یا چخوف با بهره‌گیری از همین قالب، جهانی شدند.

وی در ادامه افزود: متأسفانه هنوز نشانی از ادبیات نمایشی در ادبیات کشور نمی‌بینیم، یعنی کسانی که در این حوزه، ادعای روشن فکری دارند، ادبیات نمایشی را باعث سرافکنندگی خود می‌دانند و شاید هنوز این ژانر را مطربی می‌پندارند. این مدرس تأثیر تأکید کرد:

هم‌واره گفته‌ام که چنین برخوردی با ادبیات نمایشی یکی از نشانه‌های عقب مانده‌گی است. در صورتی که این افراد باید بدانند فرهنگ‌شان جایی کور عمل کرده و هنوز نتوانسته‌اند با یکی از مهم‌ترین قالب‌های ادبی ارتباط برقرار کنند. قالبی که باز تاب‌دهنده‌ی شرایط اجتماعی، فلسفی، روحی، زبانی و عاطفی یک جامعه است و کسانی که به این حوزه نمی‌پردازند، در آینده باید پاسخ‌گوی چنین روی کردی باشند.

زاهدی به برگزاری روی دادهای تأثیری کشور اشاره کرد و گفت: متأسفانه روی دادهای مختلف تأثیری در کشور ما برگزار

می‌شود، به برگزیده‌گان جایزه می‌دهند و بعد همه چیز به پایان می‌رسد. در حالی که باید به افراد برگزیده بها داده شود و از آن‌ها حمایت صورت بگیرد؛ دوستان و برگزارکننده‌گان انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران هم باید به خاطر داشته باشند که نباید تنها یک مسابقه برگزار کنند.

وی در پایان یادآور شد: من زیاد به مسابقه‌ها، جشنواره‌ها و جایزه دادن‌ها اعتقاد ندارم، زیرا خیلی سیستماتیک کار نمی‌کنند. اما به هر حال بسیار قابل ستایش است که گروهی با حسن نیت کار می‌کنند و از امکانات محدود خود برای گسترش و ارتقای هنر تأثیر بهره می‌گیرند.

مروری بر هفت دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

گزارش



نخستین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

الف) نمایش نامه‌های بلند (تهران): ۱- تیغ کهنه (محمد امیریاراحمدی)، ۲- سلامان و ابدال (اسماعیل شفیع)، ۳- آخرین پری کوچک دریایی (چیستا یثربی)، ۴- نهر فیروزآباد (محمد رحمانیان)، ۵- اپرای پیاز (محمود طیاری)، ۶- یک روایت برای زاده شدن (سنا نعمتی)، ۷- نیلوفرهای آبی (زهرة غلامی)، ۸- عروسک چینی (آزاده احمدیان).

ب) نمایش نامه‌های کوتاه (تهران): ۱- ابریشم بانو (عزت‌الله مهرآوران)، ۲- سه ظرف خالی (سیدافشین هاشمی)، ۳- بی سرکلاه (منصور فارسی)، ۴- از اون بالا (مهرداد خزیمه)، ۵- در فراق فرهاد (ناصر کامگاری)، ۶- لالایی (فخرالدین خاک‌زند)، ۷- شب‌های آوینیون (کوروش نریمانی).

ج) شهرستان: ۱- تعب نامه‌ی تلخستان (سیدداوود صابری) ۲- جل‌پشت‌ها (حسین فضل‌الهی)

د) نمایش نامه‌های چاپ شده: ۱- راز حرم سلطان (شارمین میمندی نژاد) ۲- تیرگان (صادق عاشورپور) ۳- بازی پسر و گرگ (جواد ذوالفقاری - شادی پورمهدی)

پشت کوهی، اسماعیل همتی، مجید واحدی‌زاده، رویا مختاری، موحدیان، حجت‌الله سبزی. داوران مرحله‌ی دوم نیز عبارتند از: صدرالدین شجره، محمد ابراهیمیان، فرامرز طالبی، فرشاد فرشته حکمت، افروز فروزند، کتایون حسین‌زاده.

در بخش پژوهش و ترجمه نیز ۷ داور این بخش را قضاوت کردند که عبارت بود از: امیر کاووس بالازاده، هوشنگ آزادی‌ور، حسن ملکی، عطاالله کوپال، ژانت لازاریان، زاون قوکاسیان، امین مهدوی.

۵ داور مرحله‌ی نهایی نخستین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی نیز از این قرار بودند: نجف دریابندری، حمید سمندریان، خسرو حکیم‌رابط، علی نصیریان و جعفر والی.

هم‌چنین اعضای شورای سیاست‌گذاری نخستین دوره‌ی انتخاب آثار ادبیات نمایشی ایران خسرو حکیم‌رابط، بهزاد فراهانی، دکتر خسرو نشان، محمد امیریاراحمدی، دکتر یدالله آقاعباسی، عباس شادروان و رحمت‌امینی بودند.

سرانجام کاندیداهای مرحله‌ی نهایی این‌گونه معرفی شدند:

نخستین دوره‌ی انتخاب آثار برگزیده‌ی ادبیات نمایشی ایران در شهریور سال ۸۴ در تالار وحدت تهران به دبیری بهزاد فراهانی توسط کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر ایران برگزار شد. در این دوره، ۲۵ داور به طور کلی ۳۵۰ نمایش نامه را خواندند و داوری کردند. آثار تهران برای داوری به ۳۰ استان ارسال شد و تمام آثار شهرستانی در اختیار استادان تهرانی برای داوری قرار گرفت. در داوری مرحله‌ی نخست ۱۰۰ نمایش نامه انتخاب شد و به دور دوم رفت. در مرحله‌ی دوم با حضور شش داور، ۳۰ نمایش نامه گزینش شد و به مرحله‌ی نهایی داوری راه یافت. سرانجام سه داور مرحله‌ی نهایی برگزیدگان خود را معرفی کردند.

داوران مرحله اول شامل ۲۵ نفر بودند که عبارت بودند از: خسرو حکیم‌رابط، فرزاد سجودی، صدرالدین شجره، فرامرز طالبی، محمد رضایی‌راد، رضا صابری، کوروش نریمانی، ناصر کامگاری، منصور خلج، ایوب آقاخانی، مهرداد رایانی مخصوص، حسن باستانی، عباس شادروان، سهراب سلیمی، طیبه محمدعلی، هادی نامور، صادق عاشورپور، آندرانیک خچومیان، ابراهیم

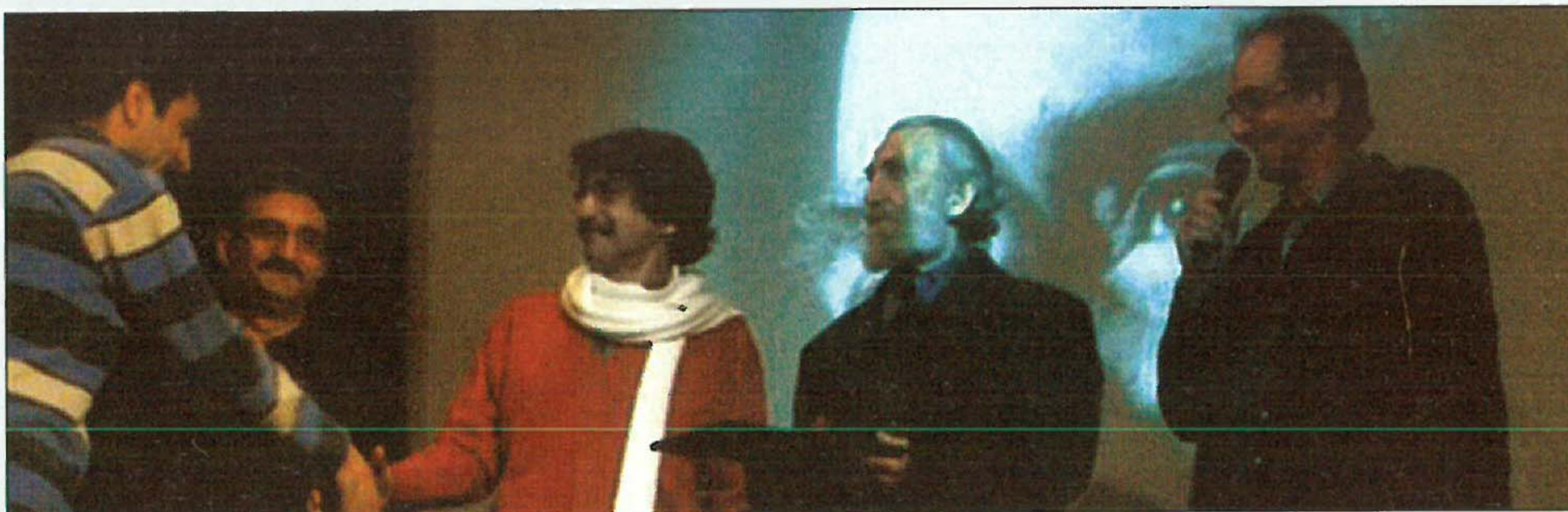


۴- یادگار جم (عباس جهانگیریان).
 ه) پژوهش تألیفی ادبیات نمایشی:
 ۱- نگاهی به ادبیات دهه‌ی چهل (اسدالله اسدی)، ۲- کاربرد زبان در فرایند نمایش نامه‌نویسی (فارس باقری)، ۳- تاریخ تئاتر در اصفهان (ناصر کوشان)، ۴- آناتومی ساختار درام (نصرالله قادری)، ۵- نمایش نامه‌نویسان ایران از آخوندزاده تا بیضایی (منصور خلج)
 و) پژوهش‌های ترجمه‌شده ادبیات نمایشی: ۱- ایبسنی دیگر (طلایه رویایی)،

۲- کالبدشناسی درام (رضا شیرمرز)، ۳- مرگ تراژدی (بهزاد قادری)، ۴- کارگردانی تئاتر (حسن پارسایی).
 در این دوره آثار برگزیده به شرح زیر انتخاب شدند:
 الف) نمایش نامه‌های بلند: ۱- اپرای پیاز (محمود طیاری) ۲- تیغ کهنه (محمد امیریاراحمدی) ۳- نهر فیروزآباد (محمد رحمانیان)
 ب) نمایش نامه‌های کوتاه: ۱- از اون بالا (مهرداد خزیمه) ۲- لالایی (فخرالدین

خاک‌زند) ۳- شب‌های آوینون (کوروش نریمانی)
 ج) نمایش نامه چاپ شده: راز حرم سلطان (شارمین میمنندی نژاد)
 د) نمایش نامه‌ی ترجمه: مرد یخین می‌آید (دکتر بهزاد قادری و دکتر یدالله آقاعباسی)
 ه) پژوهش تألیفی ادبیات نمایشی: آناتومی ساختار درام (نصرالله قادری)
 و) پژوهش ترجمه‌شده‌ی ادبیات نمایشی: مرگ تراژدی (بهزاد قادری)

دومین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران



فراخوان دومین دوره‌ی انتخاب آثار ادبیات نمایشی ایران در زمان برگزاری دوره نخست با شرح و تفصیل درباره‌ی چگونگی ارائه و پذیرش آثار، جوایز و امتیازها، شیوه‌ی انتخاب داوران، تعداد داوران و مراحل داوری صادر شد. دوره‌ی دوم در پانزدهم دی ماه ۱۳۸۶ در تالار بتهوون خانه‌ی هنرمندان ایران به دبیری محمد امیریاراحمدی برگزار شد. این دوره که به دلیل کمبود بودجه با تأخیری حدود دو ساله در شرایطی برگزار شد که جامعه‌ی ادبیات نمایشی ایران یکی از بزرگ‌ترین نمایش نامه‌نویسان خود یعنی اکبر رادی را در صبح چهارشنبه پنجم دی ماه از دست داده بود؛ در این روزها برگزاری این مراسم که حالتی بزرگداشت گونه به خود گرفته بود، می‌توانست تأکیدی باشد بر این نکته که یک نمایش نامه‌نویس بزرگ هرگز نمی‌میرد و در لابه‌لای سطور و برگ‌های نوشته‌هایش جاودانه است و این جاودانگی نویدی دل‌نشین برای کسانی بود که در این عرصه گام می‌نهند و در این فضا تنفس می‌کنند. به هر حال مسابقه‌ی این دوره که از قبل قرار بود به نام اکبر رادی نامیده شود در عمل با تقدیم به زنده یاد رادی به یادمانی برای

او تبدیل شد. همین امر بر سرتاسر اجرای جشن نیز تأثیر گذاشت و این گونه فقدان یک نمایش نامه‌نویس بزرگ در بزرگ‌ترین گردهمایی نمایش نامه‌نویسان سراسر کشور بیش‌تر به چشم آمد و همگان جای خالی او را با تمام وجود احساس کردند. رادی در برگزاری تمامی مراحل جشن، حضوری آشکار داشت و ویژه‌برنامه این دوره نیز مشتمل بر مجموعه یادداشت‌هایی بود که نمایش نامه‌نویسان در رثای رادی نگاشتند.
 در این دوره از انتخاب آثار ادبیات نمایشی ایران به‌طور خلاصه به دست آمدن آمار دقیقی از تعداد نمایش نامه‌نویسان و میزان مطالبات صنفی‌شان، معرفی و شناسایی آثار نمایشی کم‌تر مطرح شده، کشف استعدادهای افراد گم‌نام و بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ادبیات نمایشی ملی ایران در اولویت قرار گرفت. هم‌چنین هدف کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر از برگزاری این مسابقه علاوه بر شناسایی نمایش نامه‌نویسان مستعد، فراهم ساختن بستری برای نقد هدف‌مند و همه‌جانبه در عرصه‌ی ادبیات نمایشی عنوان شد.
 هیئت داوران این دوره متشکل از دکتر

قطب‌الدین صادقی، محمود استادمحمد، فرامرزطالبی، ناصح کامکاری، حسین کیانی، دکتر محمدرضاخاکی، یدالله آقاعباسی و دکتر فرزاد سجودی بودند و بهزاد صدیقی نیز به‌عنوان داور ناظر ایشان راهمراهی می‌کرد. در این دوره ۷۲ نمایش نامه‌ی کوتاه چاپ نشده، ۷۰ نمایش نامه‌ی بلند چاپ نشده ۳۴ نمایش نامه چاپ شده، ۳۴ نمایش نامه ترجمه و منتشر شده در کنار ۲۲ پژوهش تألیفی و یا کتاب پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات نمایشی از سراسر کشور مورد ارزیابی و داوری قرار گرفتند. از نکات قابل توجه این دوره انتخاب داور ناظر توسط شورای سیاست‌گذاری بود تا بر روند خوانش و قضاوت نمایش‌های رسیده نظارت داشته باشد. بر این اساس در این دوره آثار ارائه شده به دبیرخانه طی یک مرحله توسط هیئت داوران به‌طور جداگانه مورد بررسی و قضاوت قرار گرفت.
 در این دوره نویسنده گانی از شهرستان‌های تهران، ساری، رشت، شیراز، اصفهان، گلستان، زنجان، تبریز و... متقاضی شرکت در این مسابقه بودند و در کنار این نویسنده‌گان از ناشران نیز تقدیر به عمل آمد. از جمله ناشرانی که در این دوره حضور داشتند

می توان به ناشرانی چون نمایش، قطره، نی، فرخ نگار، سنا، دل، چشمه، نیل بزرگ، اسپید قلم، دریانورد و امیر کبیر اشاره کرد که آثار چاپ و منتشر شده سال ۱۳۸۵ خود را در معرض داوری قرار دادند. شورای سیاست گذاری دومین دوره ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران را محمد امیر یار احمدی (دبیر)، بهزاد صدیقی (دبیر اجرایی و سخن گو)، نادر برهانی مرند، محمد یعقوبی، حسن باستانی، بابک والی و ژاله محمد علی تشکیل دادند.

فهرست دریافت کنندگان جایزه در بخش های مختلف دور دوم از این قرارند:

الف) نمایش نامه های بلند چاپ شده

۱- یک اتاق بادو در نوشته ی محمود ناظری از انتشارات اندیشه سازان، ۲- سه پاس از حیات طیبه نوجوانی نجیب و زیبا نوشته ی علی رضا نادری از نشر مستند، ۳- شکلک نوشته ی نغمه ثمینی از نشر نی و عاشقانه تاهشت بشمار نوشته ی چیستا یربی از انتشارات نمایش.

ب- نمایش نامه های بلند چاپ نشده

۱- ورود آقایان ممنوع نوشته ی آرش عباسی، ۲- آرزوهای عقیم زیر آفتاب نوشته ی صحرا رضانیان، ۳- والس مرده شوران نوشته ی کوروش نریمانی و ستاره های دارچینی نوشته ی رضا شیرمرز.

ج- نمایش نامه های کوتاه چاپ نشده

۱- فسیل یک نوشته ی فرهاد نقد علی ۲-

نقش بر آب نوشته ی حسن بیانلو ۳- پروانه ای بر ناقوس نوشته ی فارس باقری و باد شیشه ها رامی لرزاند نوشته ی مهدی کوشکی.

د) نمایش نامه های ترجمه و پژوهش ادبیات نمایشی

در بخش نمایش نامه های ترجمه شده، از آثار زیر تقدیر به عمل آمد:

۱- خیانت نوشته ی هارولد پینتر، ترجمه ی شعله آذر از نشر نیلا، ۲- آف آف برادوی نوشته ی آلبرت پولند و بروس میلمن ترجمه ی منیژه محامدی از نشر قطره. در این بخش هیئت داوران، نمایش نامه ی توراندخت ترجمه ی علی غضنفری منتشر شده توسط نشر مرکز را به عنوان نوشته ی برگزیده اعلام کرد.

سومین دوره ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

این دوره در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۸۸ در تالار بتهوون خانه ی هنرمندان ایران به دبیری محمد امیر یار احمدی برگزار شد. در این دوره ۳۹۲ نمایش نامه نویسی در بخش های مختلف با هم به رقابت پرداختند. فعالیت دبیرخانه سومین دوره از انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران بر اساس فراخوان مرداد ۱۳۸۷ اعلام شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۸۸ با بررسی مجموع ۳۹۲ نوشته ی ارسالی و برگزیدن آثاری از این میان به ثمر نشست. در این دوره محمد امیر یار احمدی (دبیر)، بهزاد صدیقی (دبیر اجرایی و سخن گو)، محمد یعقوبی، عباس شادروان، آندرانیک خچومیان و عباس جهانگیریان به عنوان اعضای شورای سیاست گذاری به فعالیت پرداختند. آثار ارسالی در این دوره در یک مرحله توسط اعضای هیئت داوران به قضاوت گذاشته شد و از مجموع ۳۹۲ نوشته ی ارسالی، در نهایت بیش از ۲۰ نمایش نامه در بخش های مختلف به عنوان آثار برتر برگزیده شد. هیئت داوران متشکل از ۱۶ نفر به بررسی و اعلام رای نهایی در این دوره پرداختند. داوران عبارت بودند از محمد محمد علی، دکتر قطب الدین صادقی، جمشید خانیان و کوروش نریمانی (بخش نمایش نامه های صحنه ای)، دکتر فرزاد سجودی، یدالله آقاعباسی و شهرام زرگر (بخش ترجمه نمایش نامه، پژوهش و تالیف ادبیات نمایشی)، نادر برهانی مرند، شمسی فضل الهی و صدرالدین شجره

(بخش نمایش نامه های رادیویی)، یدالله وفاداری، هما جدیکار و مریم کاظمی (بخش نمایش نامه های کودک و نوجوان)، بهروز غریب پور، آزاده پورمختار و زنده یاد اردشیر کشاورزی (بخش نمایش نامه های عروسکی)، دکتر قطب الدین صادقی، جمشید خانیان و کوروش نریمانی (بخش نمایش نامه های خیابانی).

سومین دوره ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در هشت بخش مختلف با عناوین ۱- نمایش نامه های چاپ شده در قالب کتاب ۲- نمایش نامه های چاپ نشده ۳- نمایش نامه های ترجمه شده ۴- نمایش نامه های رادیویی ۵- نمایش نامه های عروسکی ۶- نمایش نامه های کودک و نوجوان ۷- نمایش نامه های خیابانی ۸- آثار پژوهشی در حوزه ی ادبیات نمایشی بررسی شد و رای نهایی درباره ی آنها به دبیرخانه اعلام شد.

تعداد آثار ارسالی در بخش نمایش نامه های بلند چاپ نشده ی صحنه ای ۵۸ نمایش نامه، نمایش نامه های کوتاه چاپ نشده ۳۳ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ نشده کودک و نوجوان ۲۳ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ نشده عروسکی ۱۸ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ نشده خیابانی ۱۹ نمایش نامه، نمایش نامه های طرح و ایده نمایش خیابانی ۹ نمایش نامه، نمایش نامه های رادیویی ۴۶ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ شده تالیفی صحنه ای

۵۳ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ شده کودک و نوجوان ۱۷ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ شده عروسکی ۱۱ نمایش نامه، نمایش نامه های چاپ شده در قالب کتاب ترجمه ۱۵ نمایش نامه و مقالات ترجمه و تالیف پژوهش ادبیات نمایشی منتشر شده در نشریات تخصصی ۴۴ نمایش نامه بودند که هر کدام در بخش خود مورد قضاوت قرار گرفتند. بر اساس اعلام رای هیئت داوران آثار زیر در بخش های مختلف موفق به کسب جایزه شدند:

الف) نمایش نامه های چاپ شده صحنه ای:

۱- جهنم دره نوشته ی صادق صفایی از نشر درود ۲- گزارش خواب نوشته ی محمد رضایی راد از نشر نی ۳- آواز ستاره ها نوشته ی مهرداد کوروش نیا از انتشارات دبیرخانه یازدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی و قصیده ی شب نمناک نوشته ی علی ثقفی از انتشارات دبیرخانه یازدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی.

ب) نمایش نامه های چاپ نشده بلند:

۱- تهران ۱۳۹۰ خورشیدی نوشته ی سلما سلامتی ۲- پیچ تند نوشته ی آرش عباسی ۳- زمان که بگذرد... نوشته ی شکوفه آروین و ناامنی نوشته ی هاله مشتاقی نیا (به طور مشترک)

ج) نمایش نامه های چاپ نشده کوتاه:

۱- باشب نوشته ی فارس باقری ۲- سه مرثیه نوشته ی روزبه حسینی ۳- پاسگاه

خالی است نوشته‌ی سعید محسنی و سنگ کوب نوشته‌ی محمود ناظری
(د) نمایش نامه‌های چاپ شده کودک و نوجوان:

۱- چاهی که می‌کنی بهر کسی نوشته‌ی یدالله آقاعباسی ۲- ملک جمشید نوشته‌ی امیر مشهدی عباس ۳- یک دختر یک سرباز نوشته‌ی محمود رضا کوهستانی
(ه) نمایش نامه‌های چاپ نشده کودک و نوجوان

۱- زندگی بسیار کوتاه است نوشته‌ی مهدی مهدی آبادی ۲- هفت خوان امید نوشته‌ی محمود تیموری ۳- گل‌های بابا آدم نوشته‌ی محمود طیاری.

(و) نمایش نامه‌های رادیویی:
هیئت داوران ضمن تقدیر از نمایش نامه‌های نفس خاک خدانوشته‌ی جهان‌شاه آل محمود و آوار نوشته‌ی علی جولایی آثار زیر را به عنوان برگزیده انتخاب کرد.

۱- روزهای زرد نوشته‌ی ایوب آقاخانی
۲- عدالت خانه نوشته‌ی مرضیه رشیدبیگی ۳- دخو نوشته‌ی زهرار فیعی گیلوایی

(ز) نمایش نامه‌های عروسکی
هیئت داوران در این بخش هیچ برگزیده‌ای نداشت.

(ل) نمایش نامه‌های خیابانی:

(الف) طرح:

هیئت داوران در این بخش ضمن تقدیر از نمایش نامه‌های کلنگ نوشته‌ی جمشید عسگری و پایان قرن عاطفه نوشته‌ی شاهد پیوند، طرح نمایش نامه «سین» نوشته کاوه مهدوی را به عنوان نوشته‌ی برگزیده انتخاب کرد.

(م) نمایش نامه:

هیئت داوران در این بخش ضمن تقدیر از نمایش نامه‌های سنگ کاغذ قیچی نوشته‌ی مهدی حبیبی و ماجرای جوان بیست و چند ساله‌ای که در دریاچه‌ی کیو غرق شد نوشته‌ی شاهد پیوند، نمایش نامه‌ی خاطرات یک بچه سوسک نوشته‌ی کنایون آقا کاظم را به عنوان نوشته‌ی برگزیده انتخاب شد.

بخش پژوهش و ترجمه‌ی ادبیات نمایشی:

(الف) کتاب‌های پژوهشی (تألیف):

هیئت داوران در این بخش ضمن تقدیر از کتاب «ادبیات نمایشی ایران - جلد سوم» نوشته‌ی جمشید ملک پور از انتشارات توس، کتاب «فراسوی متن، فراسوی شگرد» نوشته‌ی منصور کوشان، از انتشارات نوز هیر را به عنوان پژوهش برگزیده انتخاب کرد.

(ب) مقالات پژوهشی (ترجمه و تألیف):

در بخش ترجمه‌ی مقالات ضمن تقدیر از کتاب در جستجوی توازن نوشته‌ی ویلیام مکاوی ترجمه‌ی اختر اعتمادی (منتشر شده در مجله‌ی نمایش شماره ۹۳ و ۹۴ خرداد و تیر ۸۶)، مقاله‌ی پژوهشی بن مایه‌های دین و درام: از آتن تا بیروت نوشته‌ی مایکل آندرسن ترجمه‌ی مهسا عطاخرمی، منتشر شده در فصل نامه‌ی تخصصی تئاتر شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷ به عنوان مقاله‌ی پژوهشی برگزیده، انتخاب شد.

در بخش مقالات پژوهشی تألیفی، مقاله‌های ادبیات چندصدایی نوشته‌ی احسان مقدسی منتشر شده در ماه نامه‌ی صحنه، سال ششم شماره‌ی ۴۰ و ۴۱، اسفند ۸۵- فروردین ۸۶ به عنوان مقاله‌ی پژوهشی برگزیده و انتخاب شد.

(ج) نمایش نامه‌های ترجمه شده:

هیئت داوران در این بخش ضمن تقدیر از نمایش نامه‌ی زیرکی نوشته‌ی مارگارت ادسون ترجمه‌ی رحیم قاسمیان از انتشارات نیلا، نمایش نامه‌ی کپنهاگ نوشته‌ی مایکل فرین ترجمه‌ی حمیداحیا از انتشارات نیلا را به عنوان نوشته‌ی برگزیده انتخاب کرد.

چهارمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

در چهارمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، ناشران بسیاری همراه شدند؛ ناشرانی که در میان چاپ انواع رشته‌های علمی، فرهنگی، هنری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نشر ادبیات نمایشی را هم مورد توجه خویش قرار دادند؛ هر چند که از میان تعدادی از آن‌ها هیچ نشانی یافت نشد تا آثارشان در این دوره مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این دوره ۳۴ ناشر، ۵۰ مترجم نمایش نامه، ۱۰۵ نمایش نامه‌نویس و ۱۳ پژوهش‌گر به رقابت با یکدیگر پرداختند. از این میان ۱۷ نمایش نامه‌نویس زن و ۸۸ نمایش نامه‌نویس مرد و در مجموع با ۲۰۰ اثر شرکت کردند که سرانجام

۳۹ نمایش نامه‌نویس از مرحله‌ی نخست داوری به مرحله‌ی نهایی ارزیابی راه یافتند. از میان ۵۰ مترجم نمایش نامه، ۱۵ مترجم زن و ۳۵ مترجم مرد در چنین ارزیابی فرهنگی آثارشان مورد داوری قرار گرفتند. انتشارات نمایش با ۶۵ اثر در بخش تألیف، ترجمه و پژوهش و نشر افراز با ۵۴ اثر و سپس نشر قطره با ۳۴ اثر بیش‌ترین آثار منتشر شده در دو سال ۸۷ و ۸۸ را به خود اختصاص دادند. فهرست دریافت‌کنندگان جایزه در بخش‌های مختلف دوره‌ی چهارم انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران به شرح زیر است:

نمایش نامه‌های چاپ شده:

۱- سعادت لرزان مردمان تیره روز

نوشته‌ی علی رضا نادری

۲- روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردی بهشت نوشته‌ی محمد چرم شیر

۳- پاتوغ اسماعیل آقا نوشته‌ی حمید امجد

نمایش نامه‌های ترجمه:

۱- پزشک نازنین نوشته‌ی نیل سایمون و ترجمه‌ی شهرام زرگر

۲- سوار بر سورتمه‌ی آرتور شوپنهاور نوشته‌ی یاسمینا رضا و ترجمه‌ی حامد فولادوند

۳- منهای دو نوشته‌ی ساموئل بنشتریت و ترجمه‌ی شهلا حائری

پژوهش ادبیات نمایشی:

۱- کتاب تماشاخانه‌ی اساطیر نوشته‌ی دکتر نغمه ثمینی

پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در تاریخ ششم اسفندماه ۱۳۹۰ توسط کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر و در تالار هنر تهران برگزار شد. این دوره شامل ۴ بخش نمایش نامه‌های تألیفی، نمایش نامه‌های ترجمه، پژوهش ادبیات نمایشی و ناشر برگزیده بود.

محمد امیریار احمدی، بهزاد صدیقی، عباس شادروان، حسن باستانی و افروز فروزند اعضای شورای سیاست‌گذاری این دوره بودند و حسین پاکدل، قطب‌الدین صادقی و سیامک گلشیری در بخش نمایش نامه‌های تألیفی و فرزانه سجودی، شهرام زرگر و بهرام جلالی‌پور در بخش نمایش نامه‌های ترجمه و بخش پژوهش ادبیات نمایشی به داوری پرداختند.

در سال ۱۳۸۹ به طور کلی ۱۶۶ نمایش تألیفی در ۸۲ مجلد و ۱۱۲ نمایش نامه ترجمه در ۶۲ مجلد و نیز در مجموع ۱۶ مجلد پژوهش ادبیات نمایشی منتشر شد و فعال‌ترین ناشرین به ترتیب عبارت بودند از امیرکبیر با ۲۹ نمایش نامه در ۲۴ مجلد، قطره با ۴۲ نمایش نامه در ۲۰ مجلد، افراز با ۱۹ نمایش نامه، نیلا با ۱۲ نمایش نامه و نمایش با ۱۱ نمایش نامه.

در بخشی از بیانیه هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های تألیفی ضمن اشاره به شرکت بیش از صد و پنجاه نمایش نامه در این رقابت آمده است: ضرورت نوشتن اثری در نزد درام‌نویس، چه امری اجتماعی باشد و چه امری درونی و فردی - که آن نیز ضروری است - باید بازتاب‌راستین خود را در جوهره‌ی دراماتیک اثر به تمامی بنمایاند و آن را دارای اصالت و

صدقاتی منحصر به فرد کند. زیرا اثری ماندگار و هنری است که آفرینش آن برخاسته از ضرورتی نیرومند و گریزناپذیر باشد.

هم‌چنین در بیانیه هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های ترجمه شده و پژوهش ادبیات نمایشی، ضمن اشاره به ترجمه به عنوان پلی برای ارتباط و آشنایی میان فرهنگ‌ها آمده است: مترجم وظیفه‌ای سنگین و تکلیفی سترگ بر عهده دارد. زیرا درک صحیح مخاطب از اثر ترجمه شده وابسته به سلامت ترجمه و آن نیز به نوبه‌ی خود در گرو درک و شناخت کامل مترجم از دو زبان و دو فرهنگ مبدا و مقصد است. به عبارت دیگر ترجمه چیزی فراتر از یافتن واژگانی برای کلمات زبان مبدا در زبان مقصد است.

در پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر نمایشی ایران، در بخش نمایش نامه‌های تألیفی محمد یعقوبی با نمایش نامه‌ی تنها یک، یدالله

آقاعباسی با مجموعه نمایش نامه‌ی سنگ و فرسنگ و سیروس همتی با نمایش نامه‌ی نیلوفر برگزیده شدند و هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های ترجمه‌ی محمدرضا خاکی را برای ترجمه‌ی مفیستو برای همیشه اثر تم لانوی، مهسا خلیلی را برای ترجمه نمایش نامه‌های آدم بزرگ‌ها و تق تق اثر جولز فایفر و آبتین گلکار را برای ترجمه‌ی نفوس مرده نوشته‌ی میخائیل بولگاکف برگزیدند. هم‌چنین بهرام بیضایی و فرین دخت زاهدی با پژوهشی با عنوان درام معاصر ایرانی و هنریک ایبسن در بخش پژوهش ادبیات نمایشی برگزیده شدند. در میان ناشران حوزه‌ی نمایش نیز نشر قطره عنوان ناشر برگزیده‌ی این دوره را به خود اختصاص داد.

گفتنی است در این دوره از بهزاد فراهانی به عنوان یکی از نمایش نامه‌نویس مجرب و صاحب سبک ایران تجلیل شد.

تالار هنر، ۶ اسفند ۱۳۹۰ - ساعت ۱۸:۳۰

کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر برگزار می‌کند

پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

در بخش‌های مختلف این رقابت، آثار برجسته‌ای به نمایش درآمد که به‌عنوان برگزیده‌های این دوره شناخته شدند. در این میان، نمایش نامه‌های تألیفی و ترجمه‌ی محمدرضا خاکی، مهسا خلیلی، جولز فایفر و آبتین گلکار، ترجمه‌ی نفوس مرده، میخائیل بولگاکف، بهرام بیضایی و فرین دخت زاهدی، پژوهش‌های معاصر ایرانی و هنریک ایبسن، نمایش نامه‌های آبتین گلکار و تق تق، ترجمه‌ی مفیستو، نمایش نامه‌های آدم بزرگ‌ها و تق تق، نمایش نامه‌ی تنها یک، یدالله محمد یعقوبی، نمایش نامه‌ی نیلا با ۱۲ نمایش نامه، افراز با ۱۹ نمایش نامه، قطره با ۴۲ نمایش نامه، امیرکبیر با ۲۹ نمایش نامه، نیلا با ۱۲ نمایش نامه و نمایش با ۱۱ نمایش نامه، در این رقابت شرکت کردند.



سرانجام در ششمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در بخش نمایش نامه‌های ترجمه آراز بارسقیان با ترجمه‌ی چرخه‌ی کنتاکی، علی حاج ملاعلی با ترجمه‌ی عموسام من و سارا شهسوار حقیقی با ترجمه‌ی پینوکیا به ترتیب رتبه‌های یک تا سه را از آن خود کردند و به عنوان برگزیده معرفی شدند و در بخش نمایش نامه‌های تألیفی نیز مهدی میرباقری، علی اصغری و ایوب آقاخانی انتخاب و معرفی شدند. هم‌چنین در این بخش، هیئت داوران لوح تقدیر و تندیس این دوره را برای نگارش نمایش نامه‌ی سپنج رنج و شکنج از مجموعه نمایش نامه‌ی ای کاش که جای آرمدن بودی به زنده‌یاد محمود استاد محمد اهدا کرد. در این دوره رضا سرور نیز در بخش پژوهش ترجمه برگزیده شد و در بخش نمایشنامه‌ی اولی کامران شهلائی عنوان برگزیده را به دست آورد. هم‌چنین نشر بیدگل به عنوان ناشر برگزیده دوره‌ی ششم انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی معرفی شد. در ششمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، از زنده‌یاد محمود استاد محمد، نمایش نامه‌نویس و کارگردان با سابقه‌ی کشورمان تجلیل شد.

هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های ترجمه‌ی نمایش نامه و پژوهش ادبیات نمایشی و فرامرز طالبی، حمیدرضا نعیمی و نادر برهانی مرند به عنوان داوران بخش نمایش نامه‌های تألیفی حضور داشتند. در بیانیه‌ی هیئت داوران بخش ترجمه و پژوهش ادبیات نمایشی، ضمن یادآوری شرایط نامناسب چاپ و نشر کتاب و نیز فقر شدید دنیای فرهنگ کشور آمده است: خیل آثار نمایشی ترجمه شده در این دوره علی‌رغم این که نگرانی از کمیت را تا حدی مرتفع می‌کند، هم‌چنان پرسش از کیفیت را باز نگه می‌دارد. حضور چندین و چند ترجمه‌ی نمایش نامه‌ی ضعیف از نمایش نامه‌های طراز اول مسئله‌ای است که هم‌چنان در این دوره به چشم می‌خورد. بنابراین مسئله‌ی انتخاب، هم‌چنان مسئله‌ای جدی باقی می‌ماند. داوران بخش نمایش نامه‌های تألیفی نیز در بیانیه‌ی خود آوردند: اکنون بیش از پیش می‌توان با غرور و سرافراز گفت که درام‌نویسی کهن دیارمان دیگر به امید آمدن نوری صاف و بی‌آلایش، دل در گرو جرقه‌ای پیدا و ناپیدا نبسته است که شما عزیزان خوشه‌ی آتش افروختید در این زمهریر سیاه.

ششمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در تاریخ ششم آبان ماه ۱۳۹۱ توسط کانون نمایش نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر و در تالار هنر تهران برگزار شد. این دوره علاوه بر چهار بخش دوره‌ی پیشین شاهد بخش نمایش نامه‌ی اولی نیز بود و به نمایش نامه‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۰ پرداخت.

اعضای شورای سیاست‌گذاری این دوره عبارت بودند از: محمد امیریاراحمدی، بهزاد صدیقی، دکتر عطاءالله کوپال، افروز فروزند، حسن باستانی و عباس شادروان.

در سال ۱۳۹۰ در مجموع ۱۵۴ نمایش نامه‌ی تألیفی در ۷۲ مجلد، ۸۳ نمایش نامه‌ی ترجمه شده در ۵۱ مجلد، ۱۰ جلد پژوهش تألیفی و ۱۳ جلد پژوهش ترجمه شده منتشر شد و نشر افراز با ۳۴ نمایش نامه در ۲۱ مجلد، نشر قطره با ۲۱ نمایش نامه در ۸ مجلد، نشر نیلا با ۱۳ نمایش نامه در ۷ مجلد، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس با ۶ نمایش نامه در ۶ مجلد و نشر نیکا با ۶ نمایش نامه در ۶ مجلد به عنوان ناشران فعال معرفی شدند.

در این دوره طلایه رویایی، علی اکبر علی‌زاد و کامران سپهران به عنوان

هم‌چنین هیئت داوران نمایش‌نامه‌های تألیفی و نمایش‌نامه‌های اولی شامل دکتر قطب‌الدین صادقی، رویا افشار، شهرام کرمی، رضا گوران و مهرداد کوروش‌نیا ارزیابی و قضاوت آثار دو بخش نمایش‌نامه‌های تألیفی و نمایش‌نامه‌های اولی هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران را بر عهده گرفتند.

در این دوره نیز به سیاق دوره‌های قبل که از یک نمایش‌نامه‌نویس صاحب‌نام تجلیل و قدردانی می‌شد از علی حاتمی به عنوان نمایش‌نامه‌نویسی که ۱۸ نمایش‌نامه در کارنامه هنری خود دارد تجلیل می‌شود.

نامزدهای نمایش‌نامه‌های تألیفی:

- ۱- انبارها نوشته‌ی احمد رضا احمدی از نشر قطره
- ۲- پالتوی پشمی قرمز نوشته‌ی نغمه ثمینی از انتشارات خانه‌ی تئاتر
- ۳- پالتوی خیس نوشته‌ی سیدصادق

دوره به ثبت رسید. در بخش پژوهش ۲۰ اثر پژوهشی ثبت شده که از این تعداد ۱۰ اثر مربوط به تألیف و ۱۹ اثر مربوط به ترجمه‌ی پژوهش ادبیات نمایشی است و این بخش توسط داوران بخش ترجمه ارزیابی شد. ۲۱۸ اثر رسیده به دبیرخانه‌ی این دوره، توسط ۴۴ ناشر از سراسر ایران به دبیرخانه ارسال شده است.

محمد چرم‌شیر، علی رضا نادری، محمد امیریار احمدی، بهزاد صدیقی و حسن باستانی به عنوان اعضای شورای مشاوران هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران توسط کانون نمایش‌نامه‌نویسان خانه‌ی تئاتر ایران انتخاب و معرفی شدند.

در این دوره داریوش مودبیان، دکتر بهرام جلالی‌پور و رضا سرور ارزیابی و قضاوت آثار دو بخش نمایش‌نامه‌های ترجمه و پژوهش ادبیات نمایشی را بر عهده گرفتند.

هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران فعالیت خود را از زمستان ۹۱ آغاز کرد. تعداد کل آثار ارسالی ثبت شده در دبیرخانه این دوره ۲۱۸ اثر است که از این میان ۱۹۸ اثر مربوط به نمایش‌نامه‌های تألیفی و ترجمه و تعداد ۲۰ اثر در حوزه‌ی پژوهش ادبیات نمایشی قرار می‌گیرد.

از میان ۱۹۸ نمایش‌نامه رسیده به این دبیرخانه ۹۸ نمایش‌نامه در ۵۵ مجلد مربوط به نمایش‌نامه‌های تألیفی است که در سال ۱۳۹۱ توسط ناشران مختلف به چاپ رسیده است. هم‌چنین از میان تعداد کل نمایش‌نامه‌های رسیده، ۶۴ نمایش‌نامه در ۵۱ مجلد مربوط به نمایش‌نامه‌های ترجمه است.

در بخش نمایش‌نامه‌های اولی هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، تعداد ۳۶ نمایش‌نامه در دفتر دبیرخانه‌ی این





۳- تار توف، نوشته‌ی مولیر، برگردان مهشید نونهالی از نشر قطره
 ۴- درس پیانو، نوشته‌ی آگوست ویلسون، برگردان حمید احیاء از نشر نیلا
 ۵- در کار رفتن، نوشته‌ی واسلاو هاول، برگردان رضا میرچی از نشر جهان کتاب
 ۶- در لونا سا، نوشته‌ی برایان فریل، برگردان سحر خلیلی از نشر افراز
 ۷- زنان ترا و توئستس، نوشته‌ی سنکا، برگردان عبدالله کوثری از نشر نی
 ۸- کلایون پارک، نوشته‌ی نیل سایمون، برگردان آراز بارسقیان از نشر افراز
 ۹- نیکومد، نوشته‌ی پی یر کورنی، برگردان قاسم صنّعی از نشر قطره
 ۱۰- یک ماه در دهکده، نوشته‌ی ایوان تورگینف، برگردان آبتین گلکار از نشر هر مس
 ۳- یک ماه در دهکده، نوشته‌ی ایوان تورگینف، برگردان آبتین گلکار از نشر هر مس.

از انتشارات خانه‌ی تئاتر
 ۳- همیشه همه چیز یک جور نیست نوشته‌ی محسن عظیمی از انتشارات افراز
نامزدهای بخش پژوهش ادبیات نمایشی (تألیف و ترجمه):
 ۱- حرکت تئاتر به سمت شعر، نوشته‌ی طلایه رویایی از نشر قطره
 ۲- راهنمای نویسنده گان درام، نوشته‌ی ویل دان، برگردان آزاده عالم‌فلکی از نشر قطره
 ۳- نیچه و درام پُست مدرن، نوشته‌ی یوسف آفرینی از نشر آوای دانش گستر
 ۴- مرگ و بکت، برگردان امین اصلانی از نشر افراز
کاندیداهای بخش نمایش نامه‌های ترجمه:
 ۱- ارباب هارولد و پسرها، نوشته‌ی آئول فوگارد، برگردان داوود زینلو از نشر افراز
 ۲- پابرهنه در آتن، نوشته‌ی مکسول اندرسون، برگردان بهزاد قادری و حسین زمانی از نشر قطره

فاضلی از انتشارات افراز
 ۴- خرمگس نوشته‌ی صحرا رضانیان از انتشارات افراز
 ۵- خنکای ختم خاطره نوشته‌ی حمیدرضا آذرنگ انتشارات امیر کبیر
 ۶- چشم‌های بسته از خواب نوشته‌ی محمد چرم شیراز نشر نیلا
 ۷- کوکوی کبوتران حرم نوشته‌ی علی‌رضا نادری از انتشارات خانه‌ی تئاتر
 ۸- گام زدن بریخ‌های نازک نوشته‌ی آراز بارسقیان و غلامحسین دولت‌آبادی از انتشارات افراز
 ۹- گفت و گو با معشوق قدیمی نوشته‌ی مهدی میرباقری از انتشارات خانه‌ی تئاتر
 ۱۰- نیلوفر مرداب نوشته‌ی ترانه برومند از انتشارات افراز
نامزدهای نمایش نامه‌ی اولی:
 ۱- خواب برهنه‌ی برف نوشته‌ی رضا گشتاسب از انتشارات بهتاپژوهش
 ۲- دور از دسترس اطفال نگهداری شود نوشته‌ی فرشته فرشاد



علی حاتمی

۲۲



حاتمی هم‌واره در آثار سینمایی خود پیوندی ناگسستنی با اصطلاحات و گویش‌های کوچه و بازار داشت، به طوری که کاربرد این دیالوگ‌ها به عنوان امضای وی در تقریباً تمامی آثار سینمایی‌اش حضور داشته و سینمای حاتمی را یک سینمای منحصر به فرد ساخته است.

علی حاتمی در تاریخ پانزدهم آذرماه هفتاد و پنج درگذشت. پیکر وی در قطعه‌ای هنرمندان بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ به خاک سپرده شد. بر روی سنگ مزار وی که در طرفین‌اش رقیه چهره‌آزاد (ملقب به مادر سینمای ایران و ایفاگر نقش مادر در فیلم مادر) و رسام عرب زاده (طراح ممتاز فرش‌های ایرانی) دفن شده‌اند، یکی از ماندگارترین دیالوگ‌های فیلم حاجی و اشنگتن نقش بسته: آیین چراغ، خاموشی نیست.

نام‌های کمیته‌ی مجازات و طهران، روزگار، نو ساخته شد. لیلا حاتمی و زری خوشکام، هنرپیشگان سینما، فرزند و همسر علی حاتمی هستند.

حاتمی کار هنری خود را با نویسندگی در تئاتر آغاز کرد و نمایش‌نامه‌های ساتن، قصه‌ی حریر و ماهی گیر، حسن کچل، چهل گیس و شهر آفتاب و مهتاب و... را برای تئاتر نوشت. علی حاتمی در کلاس‌های نمایش‌نامه‌نویسی اداره هنرهای دراماتیک واقع (در آب سردار) شرکت کرد و بعدها که این اداره به نام دانش کده‌ی هنرهای دراماتیک تغییر نام داد، او در رشته‌ی ادبیات نمایشی تحصیلات خود را ادامه داد. او در سال ۱۳۴۴ نمایش دیب (دیو) را که از اولین نوشته‌هایش بود، در تالار دانش کده با کودکان موسسه‌ی آموزشی فرهنگ آرزو به اجرا درآورد. علی

علی حاتمی با نام اصلی عباس علی حاتمی ۲۳ مرداد ۱۳۲۳ (۱۹ اوت ۱۹۴۴) در تهران متولد شد. حاتمی در جایی متولد شد شبیه همان جایی که رضا خوش‌نویس در هزارستان به مفتش آدرس می‌دهد؛ خیابان شاهپور، خیابان مختاری، کوچه‌ی اردی بهشت. او دانش‌آموخته از دانش کده‌ی هنرهای دراماتیک بود. علی حاتمی در طول دوران زندگی‌اش دست‌کم ۱۵ فیلم بلند سینمایی و مجموعه‌ی تلویزیونی ساخت.

اولین اثر سینمایی حاتمی در سال ۱۳۴۸ با عنوان حسن کچل ساخته شد و آخرین فیلم نیمه‌تمام‌اش با نام جهان پهلوان تختی که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های سینمایی او بعد از مجموعه‌ی هزارستان بود، به علت مرگ ناشی از بیماری سرطان نافرجام ماند. پس از مرگ‌اش نیز دو فیلم مبتنی بر هزارستان با تدوین واروژ کریم‌مسیحی به

همیشه به دنبال عرصه‌ی وسیع‌تری برای ارائه‌ی کارش بود...

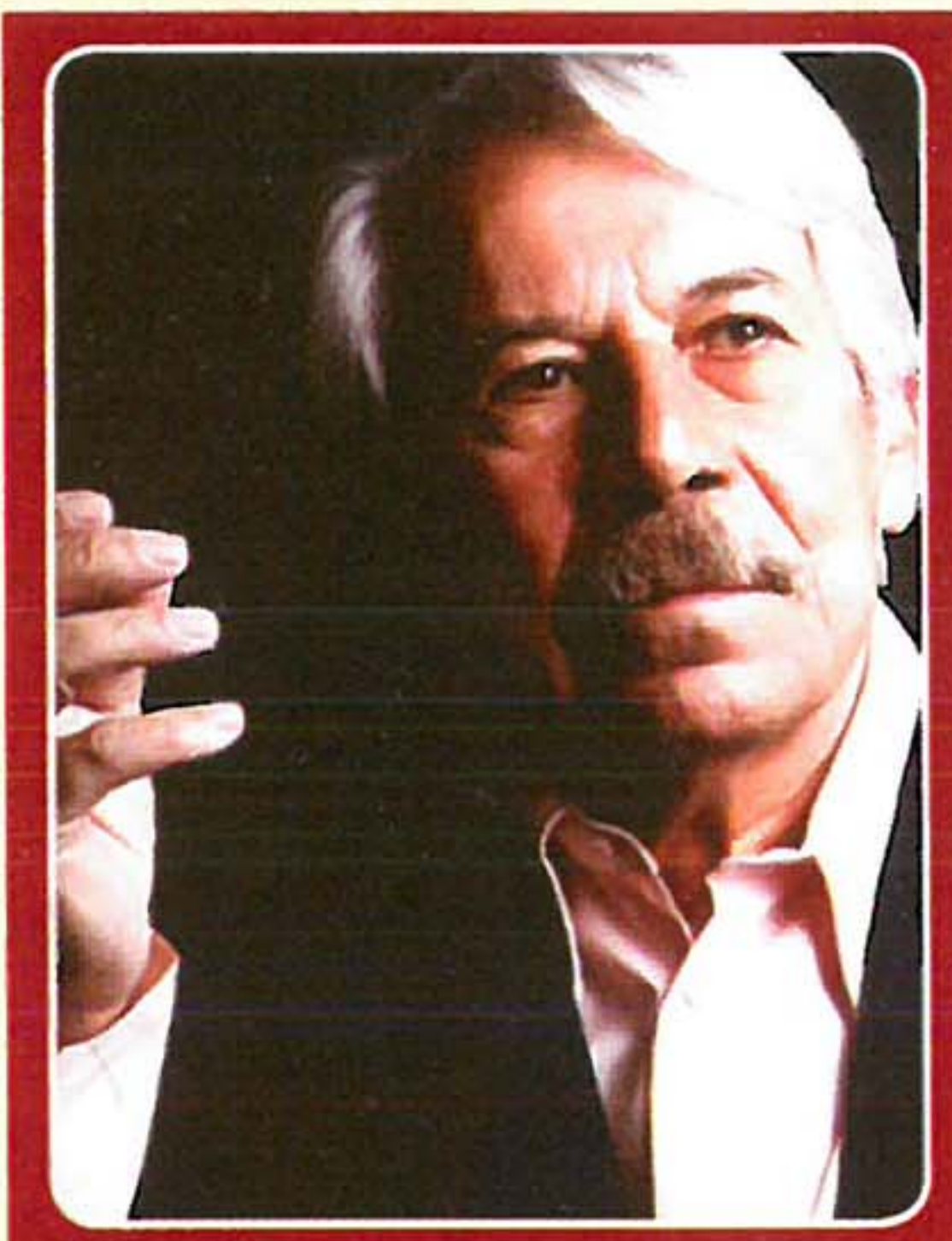
و انتخاب بقیه‌ی هنرپیشه‌ها و تمرین‌ها و... نمایش حسن کچل به روی صحنه رفت. پرویز فنی‌زاده، اسماعیل داورفر، عصمت صفوی، مهین شهابی، ولی شیراندامی، فریدون نوری... و... موسیقی روی صحنه، نمایش موفق شد...

راستی یادم افتاد سال‌های سال بعد که پیروزی در شیکاگو را روی صحنه بردم چه قدر برای آن موسیقی روی صحنه خون دل خوردم و... بماند.

برگردم به نمایش‌نامه‌های علی حاتمی؛ به نظرم تمامی این نمایش‌نامه‌ها در بطن ظاهر قصه‌های فولکلوریک و کلمات ریتمیک دارای حرف‌های جدی و پیام‌های اجتماعی و انسانی و خیلی اوقات سیاسی هستند... متأسفانه در دو جلد آثار چاپ شده‌ی علی حاتمی بیش از چند نمایش وجود ندارد و در مقدمه‌ی کتاب هم این موضوع ذکر شده است... می‌دانم که حاتمی خیلی بیش از این تعداد نمایش‌نامه داشت... یادم می‌آید اغلب کارهای تازه‌اش را برای خواندن به من می‌داد... علی حاتمی از اجرای حسن کچل راضی بود و تقریباً بلافاصله به فکر تهیه‌ی فیلم سینمایی حسن کچل افتاد. او همیشه به دنبال عرصه‌ی وسیع‌تری برای ارائه‌ی کارش بود... دلم می‌خواست پرویز فنی‌زاده را برای نقش حسن کچل در فیلم سینمایی انتخاب کند. اما خب فیلم سینمایی و تهیه‌کننده و ده‌ها ملاحظات... و البته فیلم بسیار موفق بود.

برای همه‌ی شما دوستان عزیزم... نمایش‌نامه‌نویسان و بقیه که دل‌تان برای تئاتر می‌تپد آرزوی موفقیت دارم. یاد و نام علی حاتمی گرامی باد!

اسفند ۱۳۹۲



داوود رشیدی

می‌خواند. و نه فقط می‌خواند، بازی می‌کرد با ریتم و حرکات دل‌نشین. آمد، حسن کچل را خواند، خواند و خواند و من مجذوب شدم. گفتم علی من این کار را روی صحنه می‌آورم... بلافاصله رفتم توی فکر این که چه کسی برای چه نقشی بازی کند؛ علی هم مرتب با کنج‌کاوی و هیجان پی‌گیری می‌کرد. یادم می‌آید خیلی‌ها به من گفتند تو سبک کارت مدرن است چه‌طور می‌خواهی حسن کچل را به روی صحنه ببری؟! یک نمایش‌نامه صد در صد ایرانی. اما همیشه نظر من این بوده که نمایش، نمایش است. مدت زمانی دارد و ریتمی که باید حفظ شود... پرویز فنی‌زاده عضو گروه من بود. به او پیش‌نهاد بازی در نقش حسن کچل را دادم... پرویز فنی‌زاده چه استعدادی... چه هنرپیشه‌ای. ناب و درخشان. با او خیلی کار کرده‌بودم. همیشه برایم حسرت از دست دادن او باقی است، عجیب این که در زمان فوتش با هم مشغول بازی در یک فیلم سینمایی بودیم... به نظرم پرویز فنی‌زاده هنوز هم یکی از چند به‌ترین هنرپیشه‌های تئاتر ما محسوب می‌شود...

جشن هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران را به کانون نمایش‌نامه‌نویسان شریف ایران تبریک می‌گویم. تهنیت ویژه‌ای هم برای برترین‌های این دوره با آرزوی موفقیت‌های بیش‌تر و بزرگ‌تر و... چند کلمه‌ای درباره‌ی علی حاتمی، دوست عزیزم که خیلی زود او را از دست دادم؛ هنوز سال‌های سال باقی بود تا جامعه‌ی هنری ما تئاتر و سینما و تلویزیون بتوانند از وجودش سیراب شوند.

علی حاتمی نمایش‌نامه‌نویس، علی حاتمی که من در جوانی شناختمش، جوانی سرشار از استعداد و شور و هیجان برای نوشتن، گفتن، بازی کردن...

اولین دیدار من با علی حاتمی در کلاس‌های بازیگری هنرکده‌ی هنرهای دراماتیک بود. او یکی از شاگردان کلاس بود. دارای اتکا به نفس اعجاب‌برانگیز، ذهنی پرا از ایده، مستعد، پر هیجان، همیشه آماده برای ارائه‌ی کار، فی‌البداهه می‌اندیشید و می‌نوشت و اجرا می‌کرد. به نظرم چهاردیواری کلاس برایش بسیار تنگ بود...

انگار می‌خواست خیلی زودتر خود را به بیرون از کلاس درس و دنیای حرفه‌ای هنر نمایش برساند. از شهامت و بلندپروازی او لذت می‌بردم، کم‌کم رابطه‌ی ما از شاگرد و استادی به دو دوست تبدیل شد... قصه‌هایش را برایم با شور و هیجان می‌خواند. با خودم فکر می‌کردم مگر می‌شود یک مغز این همه قصه و کلمه و جمله و شعر را درون خودش بگنجاند. در یکی از دیدارها، گفت می‌خواهم بیایم منزلت و یک قصه برایت بخوانم... علاقه‌ی خاصی داشت که خودش قصه‌هایش را بخواند. جای‌تان خالی که با چه شیرینی و شور و حالی



در نمایش نامه نویسی شیوهی خاص خود را پدید آورد



رضا آشنخته

علی حاتمی گویا از همان نوجوانی علاقه مند به نگارش نمایش نامه می شود و حتا متنی را می نویسد و توسط عده ای از برویجه های محله ی شاپور اجرا می کند. این حرکت، خود مقدمه ای می شود تا او بعدها در کلاس های آزاد نمایش نامه نویسی اداره هنرهای دراماتیک (واقع در آب سردار) شرکت کند. بعدها که این اداره تبدیل به دانش کده هنرهای دراماتیک می شود، علی حاتمی در رشته ی ادبیات نمایشی تحصیل خود را آغاز می کند و هم زمان پا به عرصه ی فعالیت های حرفه ای می گذارد. او که در سال ۴۳ وارد دانش کده ی هنرهای دراماتیک شده بود، در سال ۴۴ در تالار این دانش کده، نمایش نامه ی دیب (دیو) را با کودکان مؤسسه ی آموزشی فرهنگ آرزو اجرا کرد که جزو اولین دست نوشته های نمایشی او به شمار می آید.

داوود رشیدی که یکی از استادان علی حاتمی است، در این باره می گوید: طی چند ماه کوتاه تحصیلی علی حاتمی در دانش کده ی هنرهای دراماتیک، من هم یکی از استادان او بودم. جوانی استثنایی بود. باهوش، پر دل و جرأت با گنجی از قصه و حدیث و خاطره های ایرانی و قدیمی که معلوم نبود با آن سن کم چطور در قلب او جای گرفته اند. فضای تنگ دانش کده برای استعدادی چنان شگرف کوچک می نمود. او دانش کده را رها کرد اما با هم معاشر بودیم و ساعات بسیاری را در کنار هم می گذرانیدیم. در این نشست و برخاست ها نمایش نامه ی حسن کچل را برایم خواند و من با وجودی که تا آن زمان

کاری چنین ایرانی را تجربه نکرده بودم، چنان به شعف آمدم که تصمیم گرفتم حسن کچل را در تئاتر ۲۵ شهریور آن زمان (سنگلج فعلی) روی صحنه بیاورم. یادش بخیر علی حاتمی و پرویز فنی زاده. این اولین نمایش نامه علی حاتمی بود که به صورت حرفه ای اجرا شد و البته نمایش نامه های دیگری از این هنرمند روی صحنه رفت.

نوشتن نمایش نامه ی دیب، آغازی برای فعالیت های علی حاتمی در عرصه ی ادبیات فولکلور و عامیانه و سنتی کشورمان شد و او توانست با احیای قصه های قدیمی با رویکرد امروزی و افزودن فراز و نشیب های نمایشی از جای گاه منحصر به فردی برخوردار شود. او بعد از این موفق به نگارش نمایش نامه های دیگری مانند خاتون خورشیدباف، آدم و حوا، حسن کچل و چهل گیس، قصه حریر و مرد ماهی گیر، شهر آفتاب و مهتاب و ساتن شد. این نمایش نامه ها به مرور توسط علی حاتمی و دیگران اجرا شدند و در آن زمان با استقبال عمومی مواجه شدند. نوع نگارش نمایش نامه های علی حاتمی، پس از مدتی تبدیل به شیوه و فنی فراگیر در عرصه ی نمایش نامه نویسی و اجرای تئاتر کشورمان شد. نوع کلام، شیوه ی خاص گفت و گو نویسی، نحوه ی قصه پردازی، توجه به سنت های نمایشی و داستان گویی سنتی ایران، بهره مندی از آداب و رسوم و اشعار شفاهی و عامیانه، بیان صفات خوب و فراگیر انسانی، باعث می شوند که مجموعه ای از ویژگی هادر کنار هم قرار گیرند و در نهایت تبدیل به یک شیوه و متد اجرایی و نوشتاری در آثار علی حاتمی شوند. بنابراین او نه تنها در سینما و تلویزیون، بل که در تئاتر و نمایش نامه نویسی هم شیوه ی خاص خود را ایجاد کرده و هنوز هم این شیوه می تواند پر وبال بیش تری بگیرد؛ چون در عرصه ی نمایش نامه نویسی علی حاتمی فعالیت های خود را با گرویدن به سینما کنار می گذارد و این متون توسط دیگران قابل پی گیری

خواهند بود. چنان چه علی اصغر دشتی در دوران تحصیل دانشگاهی اش، نمایش نامه هاسپیتال یا بیمارستان عشق را طی یک بازخوانی مجدد تبدیل به نمایش نامه ی کافی شاپ، داخلی، شب می کند، که این متن هم در سال ۸۳ در خانه ی نمایش اجرا شد و در زمان اجرا تبدیل به یکی از اجراهای موفق این سال شد. در این نمایش نامه علی حاتمی نگاهی ظریف و دقیق به مقوله ی زندگی و عشق دارد.

پیوستن به گروه هنر ملی

از آن جا که افکار و دغدغه های ذهنی علی حاتمی به ساز و کار هنرمندان گروه هنر ملی می آمد، او هم جذب فعالیت های این گروه شد. این گروه در دهه ی ۳۰ توانستند به طور خیلی جدی و دقیق تر اولین متون نمایشی ایرانی را خلق کنند. علی نصیریان و عباس جوانمرد از اولین پایه گذاران این گروه بودند که با نمایش نامه های محلل، مرده خوارها که اقتباسی از آثار داستانی صادق هدایت بودند، کار خود را آغاز کردند. پس از آن نوبت به اجرای بلبل سرگشته به قلم علی نصیریان رسید که این متن آوازه اش تا اروپا هم کشیده شد. عباس جوانمرد بعدها خود سرپرستی گروه هنر ملی را بر عهده گرفت. بهرام بیضایی با روی کرد به اساطیر و تاریخ ایرانی و بهره مندی از شکل تعزیه و نمایش های ایرانی آثار ارزش مندی را برای اجرا در این گروه خلق کرد. پهلوان اکبر نمی میرد، هشتمین سفره سندیباد، غروب در دیار غریب و عروسک، نتیجه ی هم کاری جوانمرد و بیضایی در گروه هنر ملی است. علی حاتمی هم جذب گروه هنر ملی می شود و در تلویزیون دو نمایش نامه ی شهر آفتاب و مهتاب و ماهی گیر و حریر، توسط عباس جوانمرد کارگردانی و پخش می شود که این اتفاق از نقاط طلایی تئاتر کشورمان به شمار می آید.

وقتی اصرار و پافشاری علی حاتمی در خلق و ارائه آثار نمایشی بر گرفته از قصه های



کلاسیک ایرانی زیاده‌تر از حد معمول می‌شود، شایعه می‌سازند که علی حاتمی مادر بزرگی دارد که این نمایش نامه‌ها را می‌نویسد و حاتمی برای پاک کردن این شایعه نمایش نامه‌ی آدم و حواریا با سبک و سیاق امروزی‌تر می‌نویسد و به عمد از فضای قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه دور می‌شود. هم‌چنین نمایش نامه‌ی فوتبال هم به شیوه‌ای نوشته شده که کاملن با آثار گذشته‌اش متفاوت است. در این اثر فضای ایرانی متداول کارهای قبلی‌اش کم‌تر دیده می‌شود و تنها دیالوگ‌های فلسفی در آن ذکر شده که خاص جوامع شرقی است. نمایش نامه، داستان بازی فوتبال بین دو تیم است که با یک توپ فرضی قصد بازی کردن دارند ولی بر سر همین توپ دچار مشکلاتی می‌شوند که به یک تساوی نفرین دو گروه برسند و سیر بازی را ادامه دهند.

فهرست آثار

تمامی آثار نمایشی علی حاتمی تا زمان مرگ وی در آذرماه ۷۵ به چاپ و انتشار سپرده نمی‌شوند، تا این که سال ۷۶ در یک کتاب گردآوری و منتشر می‌شوند. در این کتاب تعداد نمایش نامه‌های علی حاتمی ۱۱ عنوان ذکر شده که تنها پنج عنوان آن‌ها در این مجموعه درج شده است. هم‌چنین در مقدمه‌ی کتاب مجموعه آثار علی حاتمی یادآوری شده که نسخه‌ای از مابقی آثار نمایشی این هنرمند و نویسنده موجود نیست. علی حاتمی هم در سال ۴۸ و در زمان اجرای نمایش نامه‌ی حسن کچل طی گفت‌وگویی با مجله‌ی فیلم و هنر، تعداد نمایش نامه‌های خود را ۱۰ عنوان ذکر می‌کند. در این گفت‌وگو نام چهار عنوان نمایش نامه‌اش مطرح نمی‌شود، شاید این آثار پس از سال ۴۸ خلق شده باشند. فهرست نمایش نامه‌های علی حاتمی از این قرار است:

- ۱- دیب (دیو، اجرا شده در سال ۴۴ در دانش کده‌ی هنرهای دراماتیک)
- ۲- خاتون خورشیدباف
- ۳- شهر آفتاب و مهتاب (اجرا شده توسط عباس جوانمرد و پخش از تلویزیون ملی)
- ۴- آدم و حوا
- ۵- شهر نارنج و ترنج (ممکن است همان خاتون ترنج باشد که نسخه‌ی تایپ شده‌ی آن در اداره‌ی برنامه‌های تئاتر در سال‌های اخیر پیدا شد)
- ۶- چهل گیس
- ۷- اردها در سب (نسخه‌ای از آن موجود



عکس از آرشیو شخصی استاد عباس جوانمرد

صحنه‌ای از نمایش قصه‌ی حریر و ماهی گیر نوشته‌ی علی حاتمی به کارگردانی عباس جوانمرد

قصه‌های بین‌المللی، شباهت زیادی به هم دارند. بارها اتفاق افتاده که برای اثبات نظرمان از اشعار قدما کمک می‌گیریم و یا اگر بخواهیم کاسب کارانه به این موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم که حتا دوره‌گردها هم برای عرضه و فروش کالای خود با لحنی ریتیمیک و با قافیه متاع خود را عرضه می‌کنند. مثل: عسل طالبی، عسل طالبی، طلا گرمک و یا آهای باقلای تازه، خدا وسیله سازه. ما حتا برای اظهار مقاصد اجتماعی و سیاسی هم از ریتیم و قافیه استفاده می‌کنیم. فرضن در گذشته این شعر را ساخته بودند که نان و پنیر و پونه/قوام گشمنونه و یا برای ظل السلطان که آدم ظالمی بود، این شعر را می‌خواندند کفشات رو گیوه کردی/خواهرت رو بیوه کردی، چون شایع بود که او شوهر خواهرش را کشته است.

اصراری که برای ردیف کردن ریتیم و قافیه صرف می‌شد، گاه به نظر می‌آمد، که بعضی از کلمات بی‌مورد به کار گرفته شده، مثل پونه در مصرف نون و پنیر و پونه و واقعن همین طور است تا بهانه‌ای باشد که مصراع دوم در جای خود قرار گیرد و منظور گوینده، بیان شده باشد؛ پس چنین زبانی ریشه دارد و مربوط به خلق و خوی و فرهنگ مردم ما است.

نیست، اما علی حاتمی در گفت‌وگوی سال ۴۸ با مجله‌ی فیلم و هنر از آن یاد کرده است)

- ۸- حسن کچل
- ۹- حسن کچل و شهر نارنج و ترنج (در گفت‌وگوی علی حاتمی از آن یاد شده)
- ۱۰- حسن کچل و کوسه (در گفت‌وگوی علی حاتمی از آن یاد شده)
- ۱۱- حریر و ماهی گیر (به کارگردانی عباس جوانمرد و پخش از تلویزیون)
- ۱۲- فوتبال
- ۱۳- بیمارستان عشق یا هاسپیتال
- ۱۴- شراب سازان.

علی حاتمی از زبان علی حاتمی

از همان زمانی که نوشتن کارهای نمایشی را شروع کردم، در جست‌وجوی زبان خاصی بودم که ویژگی‌های زبان ما را داشته باشد. در این جست‌وجوی بردم که ما برای بیان مقاصدمان در بیشتر اوقات صریح حرف نمی‌زنیم. در حرف‌های مان کنایه وجود دارد یا از امثال و حکم استفاده می‌کنیم و یا حدیثی از کتاب‌های مقدس و یا قرآن مجید می‌آوریم.

این لحن حرف زدن کمی شباهت به زبان قصه‌ها دارد و می‌دانید که زبان قصه‌ها، حتی

در قصه‌های ایرانی به سه عامل اساسی تکیه کردم فرم، زبان و کاراکتر نمایش نامه

بزرگداشت

که در ۲۰ فروردین ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است. حاتمی در آن زمان هنوز به شکل جدی وارد حوزه‌ی سینما نشده بود و بعدها همین نمایش نامه را برای نخستین فیلم سینمایی خود (حسن کچل) اقتباس کرد. در این گفت‌وگو اگر چه کوتاه است، اما حرف‌ها و نکات خواندنی وجود دارد که در ادامه می‌خوانید:

آن چه در زیر می‌خوانید بخشی از نخستین گفت‌وگوی رسانه‌ای علی حاتمی است که در سال ۱۳۴۸ به بهانه‌ی اجرای نمایش حسن کچل برای مجله‌ی فیلم و هنر انجام شده است. داوود رشیدی این نمایش نامه‌ی علی حاتمی را در آن زمان در تالار سنگلج روی صحنه برد. این گفت‌وگو را چون پرتو برای مجله‌ی فیلم و هنر انجام داده

دیدن ناراحتی‌های او متأثر می‌شود. در این نمایش نامه برای اولین بار از «زبان مطربی» استفاده کرده‌ام. «حسن کچل» تمام مونولوگ‌های خودش را به زبان مطربی بیان می‌کند. این کار لازمه‌اش این بود که از «زیرنویس» استفاده شود چرا که باید حرف‌های حسن کچل را ترجمه کرد. رقص شاطری به عنوان یک نوع «پانتومیم» ایرانی در این پيس اجرا شده است. از ساز و ضرب و شعر ریتمیک استفاده به جا شده و از تصنیف‌های قدیمی ایرانی که رویش شعر جدیدی ساخته‌ام مثل «والس بهاری» که بدیع زاده ساخته و نیز از «جن» و منظره‌ی «حمام عمومی» کمک گرفته شده است. کارگردان پيس «داوود رشیدی» است که من به کار او خیلی اعتقاد دارم و فکر می‌کنم تنها و بهترین کارگردان تئاتر امروز است چون خیلی خوب می‌فهمد. مثلاً خودم شخص دیدم که «رقص شاطری» را به یکی از بازیگران «سمسارزاده» یاد می‌داد و این برای من خیلی عجیب بود.

■ به نظر می‌رسد در تعقیب راه «شهر قصه» هستید. به طور کلی نظر شما درباره‌ی «شهر قصه» چیست؟
قبل از آن که «شهر قصه» ای اصلی مطرح شود، من پيس «شهر نارنج و ترنج» را به همین سبک نوشته بودم. کلمات ریتمیک و بازی‌های کودکان را من قبلن آورده بودم و اگر حالا این پيس را روی صحنه بیاورم، قطع خواهند گفت من از «شهر قصه» دزدیده‌ام. «شهر قصه» به نظر من یک مقدار زیاد «آتراکسیون» بود.

نمایش نامه‌ی «دیب» آوردم و تا نمایش نامه‌ی «شهر نارنج و ترنج» ادامه دادم. عامل دیگر کاراکترهاست که در نمایش نامه‌های نام‌برده دو کاراکتر بیش از همه نمود می‌کند: شاهزاده و شاهزاده خانم که این دو پرسوناژ بسیار لطیف هستند. من از اجتماع الهام نمی‌گیرم چون نمی‌توانم تئاتر رئالیسم بنویسم. تئاتر قصه‌ای می‌نویسم چون معتقدم این تئاتر، تئاتر رئالیسم است.

■ در مورد نمایش نامه‌ی «حسن کچل» که روی صحنه است، چه طور؟
«حسن کچل» یک پرسوناژ خیلی ایرانی است. من دیدم تئاتر امروز احتیاج به یک نقطه ضعف مادی و جسمی دارد. حسن کچل آدمی است کچل، پس نقطه ضعف دارد. او هر کاری بخواهد بکند باز این مساله توی تمام ارکان زندگی‌اش موثر است. از نظر عشق ممکن است زنی عاشق یک مرد کچل نشود و طبعن این موجود چون از کسی محبتی نمی‌بیند پس می‌تواند عاشق یک آدم خیالی مثلن یک شاهزاده خانم خیالی شود. حتا احتمال دارد یک زن بدکاره هم او را مسخره کند. در اثر تمسخر فراوان از هر کس، ممکن است قدرت عرض اندام در مقابل دیگران نداشته باشد. او هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد، تنبل است و همه‌اش خودبه‌خود فکر می‌کند چون هیچ کاری نمی‌تواند بکند پس آدم بدی نیست. طبعن به خاطر خود روحیه حسن کچل، این نمایش نامه‌ای است کم‌دی؛ یک کم‌دی دل‌سوز که آدم به خاطر

■ در نوشتن نمایش نامه‌هایتان از چه سبکی پیروی کرده‌اید؟
در وهله‌ی اول بیش‌تر از همه در فکر یک زبان تئاتری که در آن دیالوگ‌ها نه به صورت ترجمه‌ای و نه به صورت ضرب‌المثل‌هایی که پشت سر هم ردیف و با هم ترکیب شده باشند، بودم. این زبان خود به خود برای مردم ما خیلی دل‌چسب بود، اما در ضمن خیلی «سطحی» بود و واقعن آدم را فریب می‌داد. با نمایش نامه‌ی «دیب» شکل و فرم تئاتری و خود کاراکترهای ایرانی برایم مطرح بود. نمایش نامه‌هایی که تا به حال نوشته شده، اکثرن یا کاراکتر نداشته یا اگر داشتند تپ بودند. در نمایش «دیب» من پس از مقداری جست‌وجو در قصه‌های ایرانی به سه عامل اساسی تکیه کردم؛ فرم، زبان و کاراکتر نمایش نامه. فکر کردم می‌توان تمام این چیزها را در قصه‌های ایرانی پیدا کرد. قصد من این بود که از شکل یک قصه، یک فرم نمایشی به وجود آورم. مثلن در «چهل گیس» من از سبک «برشت» برای ترکیب فرم آن استفاده کردم. برای اولین بار در پيس‌های نام‌برده از بازی‌های عامیانه که حالت نمایشی داشت استفاده کردم. مثل بازی «گرگم و گله می‌برم» که در نمایش نامه‌ی «شهر نارنج و ترنج» از آن استفاده کردم. عامل دیگری که در تعقیب جست‌وجوهای قبلی‌ام در مورد بازیافتن عوامل تئاتری در یک قصه ایرانی به نمایش نامه‌هایم اضافه کردم، «شعر ریتمیک» بود که با

بیانیه‌ی هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های تألیفی هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

تئاتر و هنر درام‌نویسی یکی از موهبت‌های بزرگ خدا برای انسان است. در نمایش نامه‌ی جاویدان هملت، شاهکار بزرگ ادبی ویلیام شکسپیر، هملت خطاب به دیگران درباره‌ی اهمیت هنر تئاتر می‌گوید:

«عمل را با کلام و کلام را با عمل مطابق کنید. مواظب باشید از وقار و زیبایی طبیعت دور نشوید. مقصود از نمایش این است که آینه‌دار طبیعت باشد. به فضیلت مثال فضیلت، و به وقاحت مثال تصویر قباحث را نشان دهید. ظاهر و باطن هر عصر و زمانی را بی‌هیچ تخلف، چنان چه هست مجسم کنید. اگر در انجام این وظیفه افراط یا تفریط معمول شود، ممکن است بی‌خبران را به خنده وادارد ولی منتقدان بصیر را ملول و منزجر خواهد ساخت. در نظر شما عقیده یک فرد واحد از گروه اخیر باید بر عقیده‌ی هزاران نفر از جماعت اول رجحان داشته باشد.»

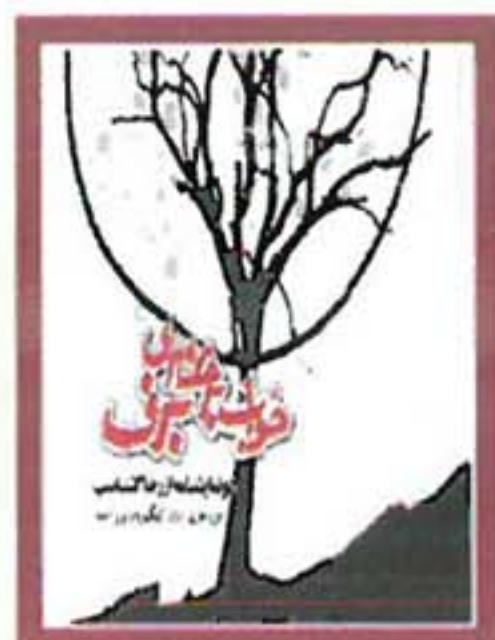
این گفتار ویلیام شکسپیر، تفسیر یک هنر مهم یعنی نمایش نامه است. از دیرباز، آن هنگام که بشر تمدن و فرهنگ را شکل داد و فکر و اندیشه در زندگی بشر با هنری به شکل چیدمان واژه و کلمات اهمیت یافت، نویسندگان، درام‌رابه‌عنوان روش ایده‌آل در انتقال تفکر و اندیشه انتخاب کردند. اهمیت درام و درام‌نویسی، به اندازه‌ی تاریخ آن است. امروز در همه جای دنیا و از پس یک تاریخ پر بار، درام‌نویسان بزرگی را می‌شناسیم که ابعاد هنر تئاتر و ارزش هنر شریف نوشتن را به ما آموخته‌اند. جشن انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، بهانه‌ای برای بزرگداشت هنر درام این سرزمین است. باید اذعان داشت نویسندگان شایسته و بزرگی از گذشته تا به امروز در این دیار پر مهر داریم که آثار آن‌ها افتخار هنر ایران خواهد بود. جشن بزرگ ادبیات نمایشی ایران به همت خانواده‌ی نمایش نامه‌نویسان چنان چه از نام و روی کرد آن مشهود است بهانه‌ای برای تجلیل از جماعت درام‌نویس این سرزمین است. خرسند و خوش حال هستیم که در این دوره‌ی جدید شاهد آثاری از همه‌ی گروه نویسندگان بودیم که با وجود مشکلات عدیده نشر نمایش نامه آثار خود را به زیور طبع آراسته‌اند. ضمن تجلیل از حضور همه‌ی نویسندگان مختلف که در یک سال گذشته برای رشد نمایش نامه‌نویسی ایران و چاپ آثار خود تلاش کردند، برای جشن جدید ادبیات نمایشی و آینده‌ی آن و تلاش همه‌ی نویسندگان، درود و سپاس خود را ارزانی می‌داریم.

هیئت داوران بخش نمایش نامه‌های تألیفی هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران:
قطب الدین صادقی - رویا افشار - رضا گوران - مهرداد کورش نیا - شهرام کرمی

برگزیده‌گان بخش نمایش نامه‌های تألیفی

الف) نمایش نامه‌های تألیفی:

ب) نمایش نامه‌های اولی:



خواب
برهنه‌ی برف
نوشته‌ی رضا
گشتاسب از
انتشارات بهتا
پژوهش



گام‌زدن بر
یخ‌های نازک
نوشته‌ی آراز
بارسقیان و
غلامحسین
دولت‌آبادی از
انتشارات آراز



کوکوی
کیوتران حرم
نوشته‌ی از
انتشارات
خانه‌ی ناتر

منتشر شده در شماره ۴ و ۵
فصل نامه‌ی نمایش نامه



پالتوی پشمی
قرمز نوشته‌ی
نغمه‌ی ثمینی از
انتشارات
خانه‌ی تئاتر

منتشر شده در شماره ۹ فصل نامه‌ی
نمایش نامه

بیانیه هیئت داوران بخش ترجمه‌ی نمایش نامه و پژوهش هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران

زبان‌ها مرسوم است - می‌تواند آزمونی ضروری به حساب آید که در آن زبان نمایشی هر بار در خشان‌تر و کارآمدتر می‌شود. اما در کشوری که در آن بازار نشر، نحیف و به طریق اولی، بازار نشر ادبیات نمایشی بسیار نحیف‌تر می‌نماید، از مترجمان و ناشران انتظار می‌رود آثار خویش را برای ترجمه و نشر با وسواس بسیار بیش‌تری انتخاب کنند و در این انتخاب اولویت نشر آثار جدید را مورد توجه جدی قرار دهند.

۳- اسفبار بودن وضعیت نشر چنان واضح است که بازگویی آن به اتلاف وقت می‌انجامد، اما این وضعیت دشوار نباید موجب شود که ناشران عوامل مؤثر در کیفیت کتاب را کنار نهند. حذف ویراستار به بهانه‌ی کاهش هزینه‌ها، نتایج ناگواری را هم در نمایش‌نامه‌های ترجمه شده و هم در آثار پژوهشی به دنبال داشته است. اغتشاش در ثبت اعلام، رسم‌الخط‌های متفاوت در کتابی واحد، برابر نهادهای نامتعارف و اشتباه از جمله نتایجی است که صرفه‌جویی‌های نابجا به بار آورده‌اند. به علاوه، هم چون دوره‌های پیشین، متأسفانه در این دوره نیز سایه‌ی ضعف‌های روش‌شناسی تحقیق بر روی کیفیت آثار پژوهشی تألیفی سنگینی می‌کند.

۴- هیئت داوران بر خود فرض می‌داند که از آثاری یاد کند که به هر دلیل امکان انتشار به صورت کتاب را نیافته و در نتیجه در فضای مجازی یا به صورت افست منتشر شده‌اند. در میان این آثار گاه نمونه‌هایی بسیار درخشان به چشم می‌خورد که متأسفانه به دلیل محدودیت‌های آیین‌نامه‌ای جشن ادبیات نمایشی به کنار گذاشته شدند. هیئت داوران، ضمن آرزوی این که در دوره‌های آتی فرصتی برای ارزیابی این قبیل آثار نیز فراهم آید، خوش‌حالی خود را از این امر ابراز می‌دارد که به یمن وجود امکانات فضای مجازی، به هر تقدیر مجالی برای شنیده شدن صدای این قبیل آثار نیز فراهم می‌شود.

هیئت داوران بخش ترجمه‌ی نمایش نامه و پژوهش
هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران
داریوش مودیان - بهرام جلالی پور - رضا سرور

هیئت داوران بخش ترجمه و پژوهش هفتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران، ضمن قدردانی از تمامی کسانی که آثارشان در این دوره مورد داوری قرار گرفته است، مایل است دیدگاه‌های خود را در مورد حوزه‌ی مورد بررسی، در قالب چهار گزاره ارائه کند:

۱- در میان نمایش‌نامه‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۱، توازنی دل‌نشین میان ترجمه‌ی آثار کلاسیک و مدرن به چشم می‌خورد. در فهرست این آثار، طیف وسیعی را می‌توان مشاهده کرد که از آیسخلوس و سنکا آغاز می‌گردد، شکسپیر و کورنی و گوتزی و مولیر را در بر می‌گیرد و در قرن بیستم، پس از گذر از بکت و پینتر و آلبی به آگوست و یلسون و ممت و کریل چرچیل می‌رسد. این توازنی است که پیش‌تر نشانه‌های خویش را نمایان کرده بود و اینک به ظهور رسیده است. این توازن میسر نبود مگر با در کنار هم قرار گرفتن مترجمان کهنه‌کار و چیره‌دست و مترجمان جوانی که علاوه بر تسلط بر زبان مبدا و مقصد، گاه تجربه‌ی صحنه‌ای خویش را نیز به یاری فراخوانده‌اند. با دیدن نام مترجمان جوان، بی‌درنگ می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر، بخشی از دانش‌آموخته‌گان تئاتر با ورود به عرصه‌ی ترجمه بر آنند تا با بهره‌گیری از دانش و تجربه‌ی تئاتری خویش هم‌خوانی بیش‌تری میان زبان مکتوب با زبان صحنه پدید آورند.

۲- در فهرست آثار منتشر شده نمایش‌نامه‌هایی را می‌توان یافت که برای چندمین بار ترجمه شده‌اند. برخی از آن‌ها هنگام ترجمه‌ی مجدد به چنان سطحی از کیفیت دراماتیک، دقت در متن و تأمل در نفس زبان نمایشی دست یافته‌اند که با کمی اغماض می‌توان ترجمه‌های پیشین را ندیده گرفت، و این البته نه ناسپاسی است و نه انکار تلاش مترجمان پیشین، زیرا که هدف تمام مترجمان، چیزی نبوده و نیست جز ارائه‌ی بهتر اثر در زبان مقصد. اما در این میان هستند آثاری که هنگام ترجمه‌ی مجدد، تنها به دست‌کاری‌هایی جزئی در ترجمه‌های پیشین اکتفا کرده‌اند و تصحیحات‌شان فقط به اشتباهاتی جدیدتر، و البته عجیب‌تر، منتهی شده است. با این حال، ترجمه‌ی مجدد آثار - چنان که در تمامی

برگزیده‌گان بخش ترجمه‌ی نمایش نامه و پژوهش ادبیات نمایشی

پژوهش برگزیده‌ی ادبیات نمایشی (برگردان):



تقدیر: مرگ و بکت، برگردان
امین اصلانی از نشر افراز

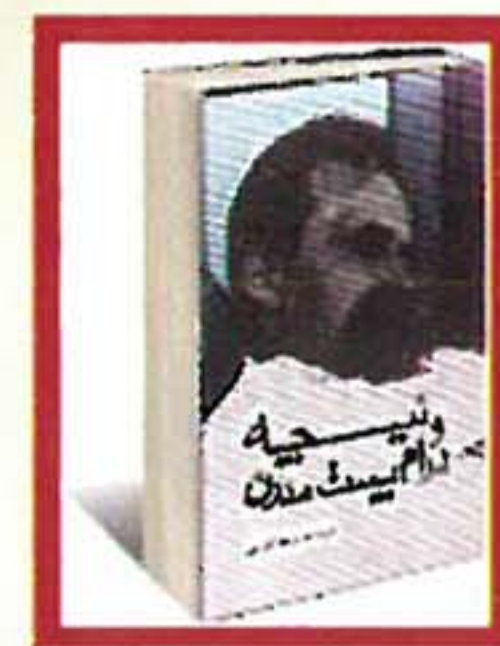


برگزیده: راه‌نمای نویسنده‌گان
درام، نوشته‌ی ویل دان، برگردان
آزاده عالم‌فلکی از نشر قطره

پژوهش برگزیده‌ی ادبیات نمایشی (تألیف):



تقدیر: حرکت تئاتر به سمت
شعر، نوشته‌ی طلایه رویایی
از نشر قطره



برگزیده: نیچه و درام
پُست مدرن، نوشته‌ی یوسف
آفرینی از نشر آوای دانش گستر

برگزیدگان بخش ترجمه‌ی نمایش‌نامه و پژوهش ادبیات نمایشی

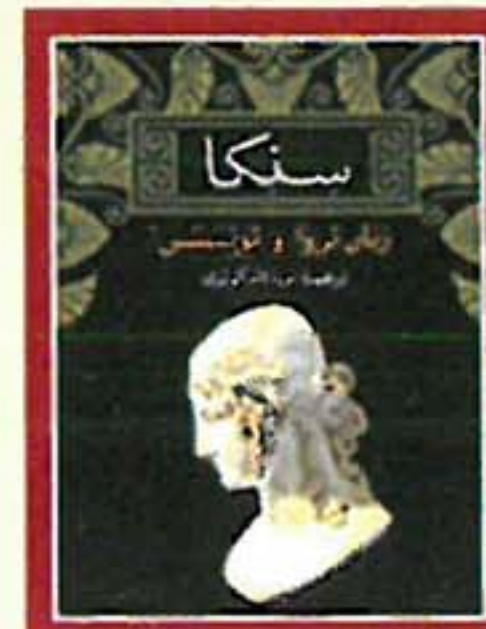
نمایش‌نامه‌های برگزیده‌ی ترجمه‌شده:



۳- یک‌ماه در دهکده
نوشته‌ی ایوان تورگینف
برگردان آبتین گلکار
از نشر هرمس

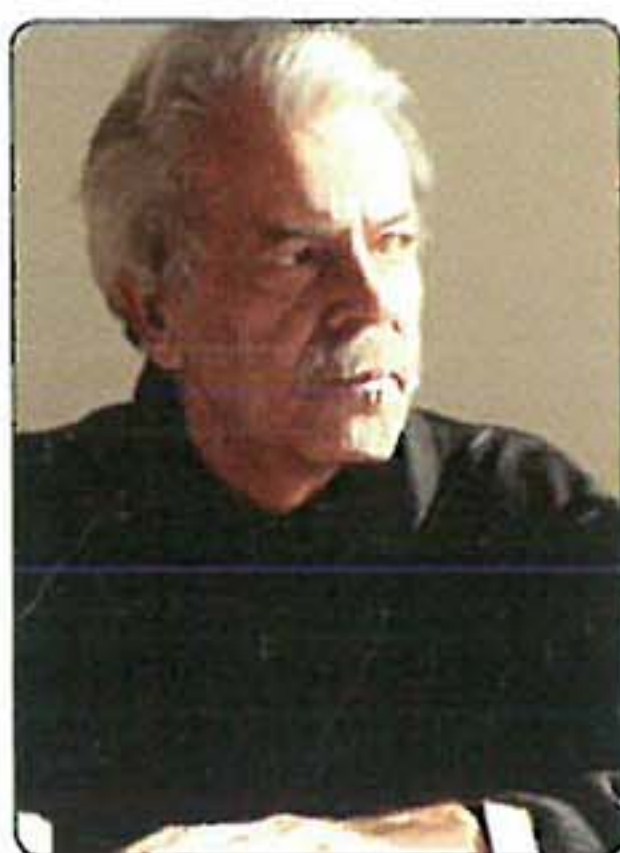


۲- نیکومد
نوشته‌ی پی‌یر کورنی
برگردان قاسم صنعوی
از نشر قطره



۱- زنان تروا و
توئستس
نوشته‌ی سنکا
برگردان عبدالله
کوثری از نشر نی

عبدالله کوثری



از پانزده سالگی آغاز کرد و شعرهایش از سال ۱۳۴۲ در نشریات ادبی تهران چاپ می‌شد. او از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ که زنده یاد احمد شاملو مجله‌ی خوشه را اداره می‌کرد، از همکاران دائمی این مجله بود. این مترجم از سال ۱۳۵۲ به کار ترجمه روی آورد. از میان ترجمه‌های او در زمینه‌ی نمایش‌نامه می‌توان به محاکمه‌ی ژاندارک در روان از برتولت برشت، مجموعه آثار آیسخولوس در نشرنی، زنان تروا و توئستس از سنکا در نشرنی و ببر پشت دروازه از ژان ژیرودو در نشر قطره اشاره کرد.

عبدالله کوثری در آبان ماه سال ۱۳۲۵ در همدان به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۴ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان البرز تهران به پایان رساند و سپس در سال ۱۳۴۸ با دریافت لیسانس اقتصاد از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۵۱ برای تکمیل زبان انگلیسی به انگلستان رفت. در سال ۱۳۵۲ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه ملی استخدام شد و در همین سال نخستین ترجمه‌ی او (با همکاری مهدی تقوی) با عنوان دکترین کی سینجر-نیکسون در آسیا منتشر شد. کوثری از سال ۱۳۶۴ در مشهد سکونت گزید. کوثری سرودن شعر را

۲۹

قاسم صنعوی

های بی کفن و دفن، خلوت‌تکده از ژان پل سارتر، سه اثر حجیم جنس دوم، خاطرات، سالخورده‌گی از سیمون دو بووار، پنج اثر درخت زیبای من، خورشید را بیدار کنیم، روزینیا قایق من، کاخ ژاپنی، موزه‌های وحشی از ژوزه مائورو ده واسکونسلوس و هشت اثر پان، ویکتوریا، رازها، بنونی، زیر ستاره‌ی پاییزی، رزا، میوه‌های زمین، گرسنگی از کنوت هامسون از آن جمله‌اند.

قاسم صنعوی در چهارم آذرماه ۱۳۱۶ در مشهد به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم ادبی در دبیرستان شاهرضا در مشهد، او در دو رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسوی از دانش‌کده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی و حقوق از دانش‌کده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. صنعوی تاکنون یک صد و ده عنوان کتاب منتشر کرده که ترجمه‌ی پنج اثر زنان تروا، نکراسوف، مگس‌ها، مرده

آبتین گلکار

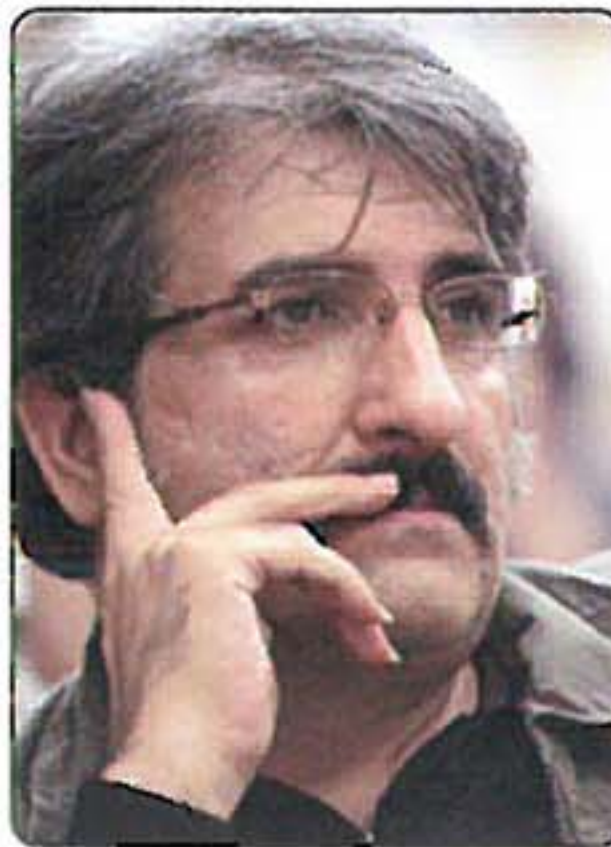


کوچک آلکساندر پوشکین اشاره کرد. او هم‌چنین یک ماه در دهکده اثر ایوان تورگینف، مرده‌ی متحرک اثر لوف تالستوی، زندگی انسان و فرمانروای گرسنه‌گاندا اثر لئانید آندریف، نفوس مرده اثر میخائیل بولگاکوف و دادگاه ویژه نوشتھی ولادیمیر و اینوویچ رانیز به فارسی برگردانده است. گلکار در پنجمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران در سال ۱۳۹۰ برای ترجمه‌ی نمایش‌نامه‌ی نفوس مرده اثر بولگاکوف، برنده‌ی جایزه‌ی نخست این بخش شد.

آبتین گلکار در سال ۱۳۵۶ تهران به دنیا آمد. کارشناسی زبان روسی را از دانشگاه تهران گرفت و سپس در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای ادبیات روسی از دانشگاه ملی کی‌یف (تاراس شوچنکو) فارغ‌التحصیل شد. او هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس است. از میان آثاری که گلکار ترجمه کرده است می‌توان به مقصر کیست؟ آلکساندر هر تسن، قلب سگی و یادداشت‌های یک پزشک جوان میخائیل بولگاکوف، نمایش‌نامه‌های بازرس و عروسی نیکولای گوگول، باریس گادونوف و تراژدی‌های

برگزیده‌گان بخش نمایش نامه‌ی تألیفی

علیرضانادری



طیبه‌ی نوجوانی نجیب و زیبا، سعادت لرزان مردمان تیره روز، اطلسی نو بر شندره‌ی کهنه‌ی شهرزاد قصه‌ساز، ۷۷/۶/۳۱، فرجام سفر طولانی طوبا و... از فعالیت‌های او در نگارش نمایش نامه است که توسط خود او یا کارگردانان دیگر به روی صحنه رفته‌اند. وی هم‌چنین فیلم‌نامه‌های شهریار، تختی (داستان یک مرد)، و چند سریال تلویزیونی را نیز نوشته است.

علی رضا نادری در سال ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمد. وی کارشناسی خود را در رشته‌ی کارگردانی در سال ۱۳۷۴ از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشدش را در رشته‌ی ادبیات نمایشی در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه هنر دریافت کرد. نمایش‌نامه‌های عطا سردار مقلوب، چهار حکایت از چندین حکایت رحمان، چند و چون به چاه رفتن چوپان، فرمان‌ها، مهر و پیمان‌ها، سه پاس از حیات

نغمه‌ثمینی



از دیگر فعالیت‌های او در زمینه‌ی تألیف و ترجمه کتاب عشق و شعبده، (پژوهشی در هزار و یک شب) تماشاخانه‌ی اساطیر، خاله ادیسه (دو نمایش‌نامه)، ترجمه‌ی فیلم‌نامه‌ی ایثار و... هستند. ثمینی علاوه بر داوری در جشنواره‌های مختلف به تدریس در دانشگاه‌ها نیز اشتغال دارد و عضو هیأت علمی دانش‌کده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

نغمه‌ثمینی متولد ۱۳۵۲ تهران است. وی دارای مدرک کارشناسی ادبیات نمایشی و کارشناسی ارشد سینما از دانشگاه تهران و دکترای پژوهش هنر از دانشگاه تربیت مدرس است. از آثار او در زمینه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی می‌توان به نمایش‌نامه‌های شکلک، اسب‌های آسمان خاکستر می‌بارند، افسون معبد سوخته، خواب در فنجان خالی، رازها و دروغ‌ها، دست‌های دکتر زمل و ایس و... اشاره کرد.

آراز باسقیان



آمریکایی اثر دیوید ممت و... اشاره کرد. باسقیان در بخش ترجمه‌ی نمایش‌نامه‌ی ششمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران برای نمایش‌نامه‌ی چرخه‌ی کنتاکی جایزه‌ی اول این بخش را از آن خود کرد. او و غلام‌حسین دولت‌آبادی برای نمایش‌نامه‌ی گام‌زدن بر یخ‌های نازک به عنوان کتاب سال در سی و یکمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب و معرفی شد.

آراز باسقیان در سال ۱۳۶۲ به دنیا آمد. در سال ۱۳۸۶ نمایش‌نامه‌ی دفتر یادداشت تریگورین نوشته‌ی تنسی ویلیامز را ترجمه کرد و با انتشار آن خود را به جامعه‌ی مترجمان نمایش‌نامه معرفی کرد. از آن پس تاکنون او نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌هایی را به فارسی برگردانده که از آن میان می‌توان به پیش از طلوع و پیش از غروب نوشته‌ی ریچارد لینک لیتر، چرخه‌ی کنتاکی نوشته‌ی رابرت شنکن، مگنولیا نوشته‌ی پل توماس اندرسن، بوفالوی

غلام‌حسین دولت‌آبادی



گام‌زدن بر یخ‌های نازک (مشترک با آراز باسقیان - ۱۳۹۱)، تکیه بر دیوار نمناک (مشترک با آراز باسقیان - ۱۳۹۱) نمایش اسپانیایی نوشته‌ی یاسمینا رضا (۱۳۹۱) اشاره کرد. وی هم‌چنین مولف کتاب‌هایی چون شاهین سرکیسیان؛ بنیان‌گذار تئاتر نوین ایران (۱۳۸۵)، میراث صحنه‌ی زندگی؛ زندگی تئاتری جمشید لایق (۱۳۸۹)، (۱۳۹۱) و غریبه‌ای در تئاتر ایران؛ زندگی و آثار مایل بکتاش (۱۳۹۱) است.

غلام‌حسین دولت‌آبادی متولد ۱۳۵۸ تهران است. وی فارغ‌التحصیل کارشناسی ادبیات نمایشی و کارشناسی ارشد کارگردانی از دانش‌کده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. از ترجمه‌های او می‌توان به ترجمه نمایش‌نامه‌های آب‌حیات اثر الی‌ویه پی (۱۳۸۸)، دشمن مردم نوشته‌ی آرتور میلر اقتباسی از دشمن مردم هنریک ایبسن (۱۳۹۰)، پرتوی دورا نوشته‌ی آلن سیکسو (۱۳۹۰)، نمایش اسپانیایی نوشته‌ی یاسمینا رضا (۱۳۹۱)،

یوسف آفرینی



جای گذاشت. طی سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ که مدرک کارشناسی بازی‌گری تئاتر را دریافت کرد، فعالیت خود را معطوف تئاتر کرد که مجموعه‌ای از بازیگری، داستان‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، کارگردانی و چاپ تعدادی مقاله در حوزه تئاتر و ادبیات را در نشریات داخلی در بر می‌گیرد.

یوسف آفرینی متولد ۱۳۵۹ شیراز است. از اواخر دهه ۷۰ فعالیت هنری خود را در حوزه هنری آغاز و سال بعد از انجمن سینمای جوان شیراز دیپلم فیلم‌سازی دریافت کرد. وی با کارگردانی و تولید ۴ فیلم کوتاه کارنامه‌ای قابل قبول از خود در این زمینه به

طلایه رویایی



نمایش‌نامه‌ی روسمر سهلم نیز نامزدی دریافت جایزه‌ی به‌ترین ترجمه‌ی تئاتری در دومین دوره‌ی انتخاب آثار برگزیده‌ی ادبیات نمایشی ایران را برای او به همراه داشت. وی داوری بخش ترجمه‌ی نمایش‌نامه و پژوهش ادبیات نمایشی در ششمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران را نیز بر عهده داشته است.

طلایه رویایی پس از اخذ مدارک کارشناسی ادبیات نمایشی از دانش‌کده‌ی هنرهای زیبا، کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی از واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانش‌کده‌ی هنرهای زیبا، در سال ۱۳۸۵ در رشته‌ی پژوهش هنر دانشگاه الزهراء در مقطع دکترای فارغ‌التحصیل شد.

آزاده عالم‌فلکی



نوشته‌ی ویل دان اشاره کرد که با ترجمه‌ی عالم‌فلکی و در مجموعه تئاتر امروز جهان در سال ۱۳۹۱ و توسط نشر قطره به بازار نشر عرضه شد. از نمایش‌نامه‌های او می‌توان نیمه شب در خانه‌ی اجدادی، رد پای هفت حصار را نام برد. او در سال ۱۳۹۰ برای نمایش‌نامه‌ی هفت حصار برنده‌ی برنده‌ی تندیس جشنواره و لوح تقدیر به عنوان برگزیده جشنواره ملی روزنه آبی یادمان

فاطمه عالم‌فلکی با نام مستعار آزاده در سال ۱۳۵۷ در تهران متولد شد. او پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌ی فیزیک از دانشگاه علم و صنعت تهران، در سال ۱۳۹۰ از دانشگاه سوره در رشته‌ی ادبیات نمایشی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. او علاوه بر فعالیت در زمینه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی در عرصه‌ی ترجمه نیز فعال است. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب راهنمای نویسندگان درام برای نمایش‌نامه‌نویسان و فیلم‌نامه‌نویسان، اکبر رادی شد.

امین اصلانی



تألیف و ترجمه‌ی او می‌توان به جهان پیدا حکمت پنهان (۱۳۸۷)، مرگ و بکت: مقالاتی انتقادی در تفسیر آخربازی (۱۳۹۱)، تریستان حیوان متافیزیکی: مقالاتی انتقادی درباره‌ی تریستان و ایزولده اثر ریشارد واگنر (در دست چاپ)، هرمس و زبان مرغان (۱۳۸۶)، او دیپوس به روایت لویوس آئوس سنکا (۱۳۹۲) و... اشاره کرد.

امین اصلانی در سال ۱۳۵۷ در شهر پاریس متولد شد. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی فلسفه‌ی فیلم از دانشگاه کنت انگلستان دریافت کرده است. نمایش‌های بهرام یش، آواز پر جبرئیل، سوگ‌نامه‌ی سرزمین نیم‌روز، هفت مجلس ابلیس‌کشی، زن خودزن و... را به عنوان نویسنده و کارگردان به صحنه برده است. از آثار

انتشارات موسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی تئاتر



۱۳۸۸ در قطع وزیری با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به زیور طبع آراسته شد. هم‌چنین ۸ شماره فصل‌نامه‌ی نمایش‌نامه توسط کانون نمایش‌نامه‌نویسان به سردبیری بهزاد صدیقی، ۳ شماره فصل‌نامه‌ی بازیگر توسط انجمن بازیگران به سردبیری هوشمند هنرکار و ۵ شماره کتاب کانون توسط کانون کارگردانان به سردبیری روزبه حسینی از دیگر فعالیت‌های این انتشارات در زمینه‌ی چاپ و نشر بوده که همه‌ی آن‌ها به صورت نشریه‌های داخلی منتشر شده‌اند.

به تئاتر ایران از منظر کارهای فنی در فاصله‌ی زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۸۵ شمسی را در بر می‌گیرد. پس از انتشار این کتاب و تغییرات در هیأت مدیره‌ی خانه‌ی تئاتر، محمد یعقوبی به عنوان مدیر انتشارات و مدیر مسئول نشریات داخلی خانه‌ی تئاتر انتخاب شد که از سال ۱۳۸۹ تا کنون یک جلد کتاب و نشریات داخلی خانه‌ی تئاتر زیر نظر او به چاپ رسیده است. یک دهه خانه‌ی تئاتر، دیگر عنوان چاپ شده در این انتشارات است که به کوشش منوچهر اکبرلو در سال

انتشارات موسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی تئاتر پس از گذشت حدود سه سال از تأسیس خانه‌ی تئاتر فعالیت خود را با انتشار نشریات داخلی با عنوان خانه‌ی تئاتر با مدیر مسئولی حمید مظفری و سردبیری کیومرث مرادی آغاز کرد. نخستین کتاب این انتشارات با عنوان امکانات فنی در تئاتر ایران از تکیه‌ی دولت تا امروز در سال ۱۳۸۵ به قلم بابک شاه‌علیزادگان در ۱۷۰ صفحه و شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در قطع وزیری منتشر شد. این مجموعه در پنج فصل نگاهی دوباره

انتشارات هرمس



ها ماجراهای نیکولا کوچولو، ماجراهای رامونا، ماجراهای پی پی جوراب بلند و ... است و دیگری مجموعه کتاب‌های کارآگاه که تا کنون در بیش از هفتاد جلد منتشر شده و تا پایان سال آینده مجموعه کامل رمان‌های پلیسی آگاتا کریستی را شامل خواهد شد. هرمس تا کنون برنده‌ی چندین جایزه‌ی کتاب فصل و ناشر برگزیده‌ی چند دوره‌ی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شده است و در نمایشگاه‌های متعدد داخلی و بین‌المللی حضوری موفق داشته است.

انتشارات هرمس با مدیریت مهندس لطف‌الله ساغروانی هم‌زمان با نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت ۱۳۷۷ نخستین کتاب‌های خود را عرضه کرد. بیش‌تر فعالیت‌های انتشارات هرمس در زمینه‌ی فلسفه، هنر، زبان و ادبیات و علوم اجتماعی است اما در کنار آن، در دو حوزه‌ی دیگر، کتاب‌های متعددی منتشر کرده است. یکی؛ کتاب‌های کیمیا که در حوزه‌ی کودک و نوجوان است که در این زمینه، ده‌ها کتاب منتشر شده است و از جمله‌ی آن